اصول ۲

جلسه اول

۱.فقیه برای استنباط حکم وجوب جواب سلام از آیه «و إذا حیّیتم بتحیّة فحیّوا بأحسن منها أو ردّوها» به چه قاعده ای نیاز دارد؟

حجیت ظهور و اصالة الاشتغال

حجیت خبر واحد و حجیت ظهور

*ظهور صیغه امر در وجوب و حجیت ظهور

ظهور صیغه امر در وجوب و حجیت خبر واحد

۲.اشکال تعریف علم اصول به «العلم بالقواعد الممهّدة لاستنباط الحکم الشرعی «این است که قید «ممهّدة» باعث می شود این تعریف جامع افراد و مانع اغیار نباشد .

درست

*نادرست

۳.اشکال تعریف علم اصول به: «علم به قواعدی که در طریق استنباط قرار می گیرد» چیست؟

تعریف جامع افراد نیست.

قواعد لغوی را از تعریف خارج می‌کند.

*موجب دخول مسایلی مانند مسایل لغوی در علم اصول می‌شود .

موجب می‌شود قواعد فقهی بعد از تمهید برای استنباط، مساله اصولی شوند.

۴.طبق بیان شهید صدر (ره) بهترین تعریف برای علم اصول کدام است؟

*العناصر المشترکة فی الاستنباط

العلم بالعناصر الممهّدة فی الاستنباط

العلم بالقواعد التی تقع فی طریق الاستنباط

العلم بالقواعد الممهدة لاستنباط الحکم الشرعی

۵.آیا «ظهور کلمه صعید در تراب» یک قاعده اصولی است؟ چرا؟

خیر؛ زیرا کلمه صعید ظهور در تراب ندارد.

بله؛ زیرا بدون آن، امکان استنباط حکم تیمم نیست.

بله؛ زیرا در طریق استنباط حکم شرعی واقع می شود.

*خیر؛ زیرا در استنباط حکم شرعی در ابواب مختلف بکار نمی‌رود .

جلسه دوم

۱.موضوع هر علمی، آن چیزی است که جامع بین موضوعات مسایل آن علم باشد و در آن علم از احوال آن بحث شود .

*درست

نادرست

۲.متقدمین، موضوع علم اصول را چه چیزی می دانند؟

*ادله اربعه

عناصر مشترک در استنباط

عناصر ممهّده برای استنباط

هر چه در علم اصول بحث شود

۳.بر موضوع علم اصول نزد متقدمین، چه اشکالی وارد است؟

*لیس جامعا بین جمیع موضوعات مسائله

یوجب الاجمال فی مسائل علم الاصول

یوجب أن لا یکون للعلوم موضوعا واحدا

لیس مانعا من موارد الخارجۀ عن الاصول

۴.طبق اشکال وارد شده بر تعریف متقدمین از موضوع اصول، در مبحث اصول عملیه از چه چیزی بحث می شود؟

از دلالت سنت و تقریر معصوم بر تکلیف عملی مکلف در هنگام شک

از ملازمات عقلیه و رسیدن عقل به تکلیف عملی با ضمیمه ادله شرعی

*از حکم شک در تکلیف و اینکه آیا در آن برائت جاری می‌شود یا اشتغال

از دلیلیت امارات بر حکم شرعی و عدم شمول آن بر موارد شک در حکم

۵.با توجه به اشکالات وارد شده بر موضوع علم اصول نزد متقدمین، بعضی از اصولیون قائل شده اند که علم اصول موضوع واحدی ندارد .

*درست

نادرست

جلسه سوم

۱.طبق نظر شهید صدر (ره)، موضوع علم اصول چیست؟

الأدلۀ، نظرا إلی حصرها بالأدلۀ الأربعۀ

*الأدلۀ و لکن من دون حصرها بالأربعۀ

کلما یمکن أن یکون عنصرا خاصا فی الإستنباط

کلما یمکن أن یکون عنصرا مشترکا فی الإستنباط

۲.اشکال موضوع علم اصول طبق بیان شهید صدر (ره) این است که شامل مباحث ملازمات عقلیه و امارات نمی شود .

درست

*نادرست

۳.فایده علم اصول چیست؟

فراهم کردن عناصر خاصی که فقیه مورد مطالعه قرار می دهد.

فراهم کردن عناصر خاصی که در فرآیند استنباط به کار می رود.

فراهم کردن عناصر مشترکی که در برخی ابواب فقه جاری است.

*فراهم کردن عناصر مشترکی که در فرآیند استنباط به کار می رود .

۴.کدام گزینه جزء عناصر خاص استدلال محسوب نمی‌شود؟

*ظهور صیغه نهی در حرمت

وجود معارض برای یک روایت

ظهور یک کلمه در معنای خاص

تمامیت دلالت یک روایت بر حکم

۵.از مقایسه نسبت علم اصول به علم فقه، با نسبت علم منطق به استدلال، چه نکته‌ای در مورد علم اصول به دست می‌آید؟

علم اصول، قضایای مورد بحث در مسائل اصولی را فراهم می‌کند.

علم اصول، نقش عقل در فرایند استنباط حکم شرعی را تبیین می‌کند.

علم اصول، از وقوع خطا در فرایند استنباط حکم شرعی جلوگیری می‌کند.

*علم اصول، استدلال فقهی را به عناصر مشترک در استنباط، مجهز می‌کند .

جلسه چهارم

۱.کدام تعریف برای حکم تکلیفی صحیح است؟

الخطاب التشریعی المتعلق بأفعال المکلفین

التشریع الصادر من الله لتنظیم حیاة الانسان

*الحکم المتعلق بفعل المکلف بنحو الاقتضاء او التخییر

الحکم المتعلق بفعل المکلف او بذاته او بشیء یرتبط به

۲.هر یک از «حرمت شرب خمر» و «وجوب انفاق به زوجه»، به ترتیب حکم تکلیفی است یا حکم وضعی؟

وضعی ـ وضعی

وضعی ـ تکلیفی

تکلیفی ـ وضعی

*تکلیفی ـ تکلیفی

۳.طبق بیان مصنف، حکم وضعی همیشه از حکم تکلیفی انتزاع می‌شود و واقعیتی غیر از انتزاع ندارد، مانند جزئیت سوره که از امر تکلیفی متعلق به نماز انتزاع شده است .

درست

*نادرست

۴.کدام گزینه جزو مراحل ثبوت حکم تکلیفی نیست؟

اراده

ملاک

اعتبار

*ابراز با خطاب

۵.گزینه صحیح در مورد «مراحل جعل یک حکم تکلیفی» کدام است؟

درک مصلحت فعل ـ تشخیص ملاک ـ ابراز و بیان حکم

تشخیص ملاک ـ تحقق اراده در مولی ـ ابراز و بیان حکم

*تشخیص ملاک ـ اعتبار فعل در ذمه مکلف ـ ابراز و بیان حکم

درک مصلحت فعل ـ تحقق اراده در مولی ـ اعتبار فعل در ذمه مکلف

۶.نقش «اعتبار» در جعل حکم تکلیفی چیست؟

اعتبار، یکی از امور ضروری در حقیقت حکم است.

بعد از تحقق اعتبار، امتثال حکم بر عبد لازم می شود.

عقل با استفاده از اعتبار، بعث و تحریک را انتزاع می کند.

*عقلاء در تعیین مرکز اشتغال ذمه مکلف از اعتبار بهره می گیرند .

جلسه پنجم

۱.گاهی ابراز حکم، به اعتباری تعلق می‌گیرد که کاشف از اراده مولی می‌باشد، مانند: «و لله علی الناس حج البیت .»

*درست

نادرست

۲.مراد از عنوان «مبادی حکم» چیست؟

ابراز و اراده

ثبوت و اثبات

*ملاک و اراده

ملاک و اعتبار

۳.کدام گزینه در مورد مبدأ احکام تکلیفی صحیح نیست؟

*مبدأ استحباب، مصلحت و اراده آبی از ترخیص در مخالفت است .

مبدأ کراهت، مصلحت و اراده غیر آبی از ترخیص در مخالفت است.

مبدأ حرمت، مصلحت و اراده‌ی شدید آبی از ترخیص در مخالفت است.

مبدأ وجوب، مصلحت و اراده‌ی شدید آبی از ترخیص در مخالفت است.

۴.گزینه صحیح در مورد اباحه کدام است؟

اباحه بالمعنی الاعم، یکی از احکام خمسه است.

اباحه بالمعنی الاخص، به معنای مجرد عدم الزام از طرف مولی است.

اباحه به معنای مجرد عدم الزام، فقط شامل مستحب و مکروه می شود.

*اباحه به معنای مساوات فعل و ترک نزد مولی، یکی از احکام خمسه است .

۵.«اباحه ناشی از عدم ملاک داعی به الزام به فعل یا ترک» و «اباحه ناشی از ملاک داعی به اطلاق عنان» به ترتیب، چه نامیده می شود؟

*اباحه لا اقتضائیهٔ ـ اباحه اقتضائیهٔ

اباحه اقتضائیهٔ ـ اباحه لا اقتضائیهٔ

اباحه بالمعنی الاخص ـ اباحه بالمعنی الاعم

اباحه بالمعنی الاعم ـ اباحه بالمعنی الاخص

جلسه ششم

۱.کدام گزینه درباره احکام تکلیفی صحیح نیست؟

بین احکام تکلیفی پنجگانه، تضاد وجود دارد.

اجتماع دو حکم تکلیفی در فعل واحد ممکن نیست.

اعتبار یک حکم با قطع نظر از مبادیش، قابل جمع با اعتبار حکم دیگر است.

*عدم اجتماع دو حکم، بخاطر تنافی بین ملاک و اعتبار هرحکم با دیگری است .

۲.کدام گزینه در مورد امکان یا استحاله اتصاف فعل واحد به دو حکم، صحیح است؟

اتصاف یک فعل به دو وجوب محال است .

*اتصاف یک فعل به دو کراهت اشکال ندارد.

اتصاف یک فعل به یک وجوب و یک استحباب محال نیست.

اتصاف یک فعل به استحباب و اباحه بالمعنی الاعم محال نیست.

۳.کدام گزینه در مورد اجتماع دو وجوب، صحیح نیست؟

استحاله اتصاف یک فعل به دو وجوب، از جهت اعتبار نیست.

لازمه اتصاف یک فعل به دو وجوب، اجتماع دو اراده بر یک فعل می باشد که محال است.

*اگر اجتماع دو اراده تبدیل به یک اراده شدید شود محذوری ندارد، اما لازمه آن ثبوت یک وجوب است.

دلیل استحاله اجتماع دو اراده بر یک فعل که لازمه اجتماع یک فعل به دو وجوب می باشد، لزوم دور است .

۴.آیا هر واقعه ای حکمی دارد؟ چرا؟

بله؛ زیرا امکان ندارد خداوند بدون جعل احکام، مکلفین را مورد عقاب یا ثواب قرار دهد.

خیر؛ زیرا هر کاری که مصلحت یا مفسده ملزمه ای داشته باشد همراه حکم شرعی می باشد.

خیر؛ زیرا خدا عالم به همه مصالح و مفاسد است لذا اگر حکمی لازم باشد همان را جعل می کند.

*بله؛ زیرا علم خدا به مصالح و مفاسد، و لطف او اقتضا دارد برای هر واقعه حکم مناسبی جعل نماید .

۵.کدام گزینه تعریف حکم واقعی است؟

حکمی که از نصوص معتبر شرعی استخراج شده باشد.

حکمی که مکلف نسبت به آن علم و یقین حاصل نماید.

حکمی که مطابق با عالم خارج و واقع تشریع شده باشد.

٨حکمی که در موضوع آن، شک در حکم قبلی اخذ نشده باشد .

۶.کدام گزینه مصداق حکم واقعی است؟

اصالهٔ الحل

*وجوب صلاهٔ

حجیت خبر ثقه

حجیت اصل عملی

۷.گزینه صحیح در مورد جایگاه حکم واقعی و ظاهری، کدام است؟

حکم ظاهری در عرض حکم واقعی است.

*مرتبه حکم ظاهری متأخر از حکم واقعی است .

مرتبه حکم واقعی متأخر از حکم ظاهری است.

مرتبه حکم واقعی با حکم ظاهری مساوی است.

۸.حکم ظاهری دارای دو فرد است؛ حجیت اماره و اصل، زیرا در موضوع آن دو، شک اخذ شده است .

*درست

نادرست

جلسه هفتم

۱.مراد از أماره چیست؟

کل ما کانت له کاشفیۀ ظنیۀ عن الواقع، سواء کانت افادته للظن الفعلی دائما ام غالبا .

کل ما کانت له کاشفیۀ قطعیۀ عن الواقع، سواء کانت افادته للعلم الفعلی دائما ام غالبا.

*کل ما لم تکن له کاشفیۀ ظنیۀ عن الواقع، سواء کانت عدم افادته للظن دائما ام غالبا.

کل ما کانت له کاشفیۀ قطعیۀ عن الواقع، سواء کانت افادته للظن الفعلی دائما ام غالبا.

۲.کدام گزینه درباره کاشفیت أماره صحیح نیست؟

کاشفیت اماره باید فعلی باشد.

حجیت اماره بخاطر کاشفیت آن است.

*کاشفیت اماره باید غالبی باشد نه دائمی .

تمام ملاک برای جعل حجیت اماره کاشفیت ظنی آن است.

۳.کدام گزینه درباره نقش حیثیت کشف در اصل عملی صحیح است؟

اصل عملی اصلا نباید دارای حیثیت کشف باشد.

اصل عملی نمی تواند حیثیت کشف نداشته باشد.

*در حجیت اصل عملی، حیثیت کاشفیت آن لحاظ نشده است .

ملاک تام برای جعل حجیت اصل عملی، حیثیت کشف آن است.

۴.گاهی اصل عملی، دارای حیثیت کشف است، اما ملاک تام برای جعل حجیت آن، حیثیت کشف نیست.

*درست

نادرست

۵.«اصل حل، هنگام دوران بین آن و بین حرمت، بدون وجود کاشف از حل» چه نامیده می شود؟

اصل عملی کاشف

اصل عملی محرز

اصل عملی تنزیلی

*اصل عملی غیر محرز

جلسه هشتم

۱.آیا اجتماع حکم واقعی و ظاهری در یک واقعه امکان دارد؟ چرا؟

خیر؛ زیرا لازمه اجتماع مثلین می باشد که محال است.

خیر؛ زیرا با علم به حکم واقعی، نوبت به حکم ظاهری نمی‌رسد.

بله؛ زیرا گاهی یکی بر وجوب و دیگری بر استحباب دلالت دارد.

*بله؛ زیرا در موضوع حکم ظاهری، شک به حکم واقعی اخذ شده است .

۲.حکم شرعی همیشه به صورت قضیه حقیقیه جعل می‌شود، نه به صورت قضیه خارجیه .

*درست

نادرست

۳.حکم در «اکرم هؤلاء العلماء الموجودین فعلا» و «اکرم کل عالم، بمعنی وجوب الاکرام متی فرض وجود العالم» به ترتیب، به چه صورتی جعل شده است؟

قضیه حقیقیه ـ قضیه حقیقیه

*قضیه خارجیه ـ قضیه حقیقیه

*قضیه حقیقیه ـ قضیه خارجیه

قضیه خارجیه ـ قضیه خارجیه

۴.اگر در قضیه حقیقیه، فرد جدیدی یافت شود، مشمول حکم قرار می گیرد؟

بله؛ زیرا غرض مولی از حکم مشخص است.

خیر؛ زیرا غرض مولی از حکم مشخص نیست.

*بله؛ زیرا فرد جدید، مصداقی از آن محسوب می شود .

خیر؛ زیرا فرد جدید، مصداقی از آن محسوب نمی شود.

۵.در حکم شرعی که متوجه افراد محدودی است و شامل فرد جدید نمی شود، حکم به چه صورتی جعل شده است؟

*قضیه خارجیه

قضیه حقیقیه

حکم ظاهری اولی

حکم ظاهری ثانوی

جلسه نهم

۱.إذا أراد الفقیه استنباط حکم شرعی فی مورد معین فیستعین بالأدلهٔ التی تکشف عن الحکم الواقعی – غایته قد لا تطابقه – و الأصول العملیهٔ التی تحدّد الوظیفهٔ العملیهٔ عند الجهل بالحکم الواقعی و عدم وجود اصل محرز .

درست

*نادرست

۲.فقیه برای استنباط احکام شرعیه از چه چیزی بهره می برد؟

اصول محرزه ـ أمارات

○*ادله محرزه ـ اصول عملیه
○ادله محرزه ـ اصول محرزه
○اصول محرزه ـ اصول عملیه

۳.با توجه به آنچه فقیه در استنباط به کار می برد، کدام گزینه صحیح نیست؟
○مراد از ادله محرزه، همان أمارات می باشد.
○برای هر واقعه ای یک اصل عملی وجود دارد.
○*با دسترسی به اصل عملی، نیازی به اماره نیست .
○با وجود دلیل محرز نوبت به اصل عملی نمی رسد.

۴.کدام گزینه در مورد دلیل محرز، صحیح است؟
○*در هر واقعه ای گاهی دلیل محرز وجود دارد و گاهی وجود ندارد .
○دلیل محرز، وظیفه عملی را هنگام جهل به حکم واقعی معین می کند.
○در هر واقعه ای دلیل محرز وجود دارد که کشف از حکم واقعی می کند.
○دلیل محرز، کشف از حکم واقعی می کند و همیشه با واقع مطابق است.

۵.عنصر مشترکی که فقیه در هر دو نوع از روش استنباط به آن نیاز دارد، کدام است؟
○حجیت ظن، به معنای کاشفیت آن از واقع.
○اصل عملی که در هر واقعه ای وجود دارد.
○*حجیت قطع، به معنی منجّز و معذّر بودن آن .
○جهل به حکم واقعی، هنگام تشخیص وظیفه عملی.

جلسه دهم

۱.کدام یک از خصوصیّات قطع، عین حقیقت قطع می باشد؟
○*کاشفیت آن از واقع
○تحریک برای انجام فعل
○حجیت، به معنای معذریت
○حجیت، به معنای منجزیت

۲.ثبوت کدام یک از خصوصیات قطع، مورد پذیرش بوده و بحثی در آن وجود ندارد؟
○*کاشفیت از واقع ـ تحریک
○حجیت، به معنای معذریت ـ تحریک
○کاشفیت از واقع ـ حجیت، به معنای معذریت

کاشفیت از واقع ـ حجیت، به معنای منجزیت

۳.کدام یک از خصوصیات قطع برای اصولی اهمیت دارد؟

تحریک

کاشفیت از واقع

امکان إزاله قطع از قاطع

*حجیت، به معنای منجزیت و معذریت

۴.لازمه پذیرش کاشفیت قطع از واقع و محرک بودن آن برای انجام فعل، پذیرش منجزیت و معذریت قطع است .

درست

*نادرست

۵.با توجه به قول کسانی که حجیت را لازم ذاتی قطع می دانند، آیا مولی می تواند منجزیت را از قطع سلب نماید؟

بله؛ زیرا لوازم ذات، قابل انفکاک هستند.

*خیر؛ زیرا لوازم ذات، قابل انفکاک نیستند .

خیر؛ زیرا آنچه امکان دارد، ازاله قطع قاطع است.

بله؛ زیرا با ازاله قطع از قاطع، منجزیت نیز قابل سلب است.

جلسه یازدهم

۱.از نظر شهید صدر چه قطعی منجّز است؟

قطعی که حجّیت داشته باشد.

قطعی که محرک انجام فعل باشد .

قطعی که کاشفیت از واقع داشته باشد.

*قطعی که به تکلیف مولی تعلق داشته باشد .

۲.طبق نظر شهید صدر، چگونه می توان منجزیت را برای قطع ثابت کرد؟

*به مجرد فرض آمر بودن مولی، منجّزیت ثابت می شود .

منجزیت ذاتی قطع است، و اثبات ذاتی شیء نیازی به استدلال ندارد.

پس از اثبات حق الطاعهٔ برای مولی، نوبت به اثبات منجّزیت قطع می رسد.

منجّزیت از لوازم حجیّت می باشد، و حجیّت از لوازم ذاتی قطع، که نیاز به استدلال ندارد.

۳.با توجه به نظر شهید صدر درباره منجزیت قطع، آیا می توان منجزیت را لازمه ذاتی قطع دانست؟

بله؛ زیرا منجّزیت لازمه ذاتی قطع است.

بله؛ زیرا منجّزیت قابل انفکاک از قطع نیست.

*خیر؛ زیرا منجّزیت قطع بخاطر حق الطاعه مولی است .

خیر؛ زیرا در ظن و احتمال نیز امکان ترخیص در خلاف نیست.

۴.طبق بیان شهید صدر، آنچه عقل ما درک می کند، ثبوت حق طاعت خداوند در هر تکلیفی است که برای ما کشف شود، هر چند به وسیله ظن و یا احتمال باشد، البته مادامی که ترخیص در مخالفت با آن نداده باشد .

*درست

نادرست

۵.اجتماع «قطع به وجوب واقعی» با «ترخیص واقعی مولی در مخالفت با آن» چه محذوری دارد؟

*اجتماع وجوب واقعی با اباحه واقعی

اجتماع وجوب واقعی با اباحه ظاهری

اجتماع وجوب ظاهری با اباحه واقعی

اجتماع وجوب ظاهری با اباحه ظاهری

۶.اگر مکلف قطع به وجوب پیدا کند و در قطع خود مصیب باشد، آیا مولی می تواند ترخیص در مخالفت بدهد؟

بله؛ زیرا مولی عالم به همه مصالح و مفاسد است .

بله؛ زیرا ترخیص می تواند از باب حکم ظاهری باشد.

خیر؛ زیرا، لازمه اش لغو بودن ثبوت حکم ظاهری است.

*خیر؛ زیرا لازمه اش اجتماع ضدین می شود که محال است .

۷.آیا «قطع به وجوب» با «حکم ظاهری به ترخیص در مخالفت» قابل جمع است؟

خیر؛ زیرا لازمه اش اجتماع ضدین می شود که محال است.

*خیر؛ زیرا با قطع به حکم واقعی، جعل حکم ظاهری بی معناست .

بله؛ زیرا طبق مبنای شهید اجتماع دو حکم واقعی و ظاهری ممکن است.

بله) زیرا حکم واقعی ملاک خود را دارد و رتبه حکم ظاهری بعد از آن است .

۸.آیا سلب منجّزیت از قطع ممکن است؟

بله؛ زیرا متجزّیت لازمه ذاتی قطع نیست.

*خیر؛ زیرا ترخیص در مخالفت با قطع ممکن نیست .

خیر؛ زیرا قطع، بر خلاف ظن و احتمال، حجیّت دارد.

بله؛ زیرا لازمه منسوب به مولی بودن، جواز ترخیص است.

۹.طبق مبنای شهید صدر، ترخیص ظاهری بر خلاف، در ظن و احتمال امکان دارد، زیرا موضوع حکم ظاهری که شک به معنای عدم علم به واقع است، با آن دو حفظ می شود .

*درست

نادرست

۱۰.بنابر نظر شهید صدر، ظن و احتمال هم مانند قطع منجز هستند، ولی مولی می تواند در آن دو ترخیص ظاهری در مخالفت دهد .

*درست

نادرست

۱۱.گزینه صحیح در مورد منجّزیت هر یک از «قطع» و «ظن و احتمال» به ترتیب کدام است؟

معلق است – معلق است.

معلق است – مطلق است.

*مطلق است – معلق است .

مطلق است – مطلق است.

جلسه دوازدهم

۱.معذریت قطع، شامل چه صورتی است؟

فرض القطع بالتکلیف، مع عدم ثبوته واقعا.

فرض القطع بالتکلیف، مع فرض ثبوته واقعا.

فرض القطع بعدم التکلیف، مع عدم ثبوته واقعا.

*فرض القطع بعدم التکلیف، مع فرض ثبوته واقعا .

۲.آیا قطع به عدم تکلیف با فرض ثبوت واقعی آن، معذّر است؟

بله؛ زیرا معذّریت قطع ذاتی است.

*بله؛ زیرا حق طاعت مولی شامل آن نمی شود .

خیر؛ زیرا حق طاعت مولی مراعات نشده است.

خیر؛ زیرا امکان تحرک برای مکلف وجود دارد.

۳.«مخالفت با قطع به تکلیفی که در واقع ثابت است» و «مخالفت با قطع به تکلیفی که در واقع ثابت نیست» به ترتیب، چه نام دارد؟

تجری ـ تجری

تجری ـ عصیان

*عصیان ـ تجری

عصیان ـ عصیان

۴.طبق مبنای شهید صدر، استحقاق متجری بر عقاب، چه حکمی است؟

عرفی

ع*قلی

شرعی

عقلایی

۵.از آنجا که عقلا حق طاعت مولی برای حفظ حرمت او ثابت است، با تجری هتک حرمت شده و استحقاق عقاب ثابت می شود .

*درست

نادرست

جلسه سیزدهم

۱.کدام گزینه درباره علم اجمالی و تفصیلی صحیح نیست؟

علم به وجوب نماز صبح، علم تفصیلی است.

علم اجمالی، مرکب از علم به جامع و شک در اطراف است.

*علم اجمالی، مرکب از شک در جامع و علم به اطراف است .

علم به وجوب نمازی در روز جمعه اعم از ظهر یا جمعه، علم اجمالی است.

۲.با توجه به مبنای شهید صدر، کدام گزینه درباره تنجّز علم اجمالی صحیح است؟

علم اجمالی نه نسبت به جامع و نه اطراف شک منجّز نیست.

علم اجمالی نسبت به جامع و یکی از اطراف شک منجّز است.

علم اجمالی در جامع منجز و نسبت به اطراف شک منجّز نیست.

*علم اجمالی نسبت به جامع و هر یک از اطراف شک منجز است .

۳.مولی می تواند منجزیت علم اجمالی نسبت به یکی از دو طرف شک را ابطال کند، و منجزیت نسبت به جامع و طرف دیگر شک باقی بماند .

*درست

نادرست

۴.طبق مبنای شهید صدر، آیا مولی می تواند در همه اطراف علم اجمالی ترخیص به مخالفت دهد؟

خیر؛ زیرا منجزیت قطع، ذاتی و غیر قابل تفکیک است.

خیر؛ زیرا منجر به ابطال منجزیت علم به جامع می شود.

*بله؛ زیرا علم اجمالی مقرون به شک است، لذا امکان ترخیص ظاهری دارد .

د. بله؛ زیرا در علم اجمالی قطع به تکلیف نداریم لذا مولی می تواند ترخیص دهد.

۵.طبق مبنای شهید صدر، آیا دلیلی بر وقوع ترخیص از مولی در اطراف علم اجمالی رسیده است؟

خیر؛ زیرا فقط اثبات کردیم عقلا امکان ترخیص ظاهری وجود دارد.

خیر؛ دلیل شرعی بر این امر وجود ندارد و کسی چنین ادعایی نکرده است.

بله؛ روایات متعددی برای اثبات ترخیص فعلی از شارع در اطراف علم اجمالی رسیده است.

*بله؛ دلیلِ اصل عملی مثل «کل شیء لک حلال...» در صورت صلاحیت اطلاق آن بر شمول طرفین .

جلسه چهاردهم

۱.نتیجه حکم شارع به حرمت شرب ذات خمر چیست؟

با احتمال خمریت باید از آن اجتناب کند چون حکم واقعی برای او منجز است.

اگر مکلف قطع پیدا کند به خمر بودن یک مایع، حکم حرمت برای او منجز می شود.

*اگر مکلف قطع به خمریت یک مایع پیدا کند حکم حرمت منجز نمی شود مگر واقعا خمر باشد.

اگر مکلف قطع به حکم شارع و قطع به خمریت یک مایع پیدا کند، حکم حرمت منجز می شود .

۲.در قطع طریقی؛ قطع، طریق کشف حکم واقعی است، و در قطع موضوعی؛ قطع در موضوع حکم مدخلیت دارد و مولّد حکم محسوب می شود .

*درست

نادرست

۳.کدام گزینه درباره تنجز انواع قطع صحیح است؟

قطع طریقی و موضوعی هر دو منجز هستند.

*قطع طریقی منجز است بخلاف قطع موضوعی .

قطع موضوعی اگر مولد حکم باشد منجز است.

منجزیت در قطع اختصاص به قطع موضوعی دارد.

۴.کدام گزینه در مورد کاشفیت انواع قطع صحیح است؟

قطع موضوعی، کاشف از حکم واقعی است نه مولد حکم.

*قطع طریقی، فقط کاشف از حکم واقعی است نه مولد حکم .

قطع موضوعی، نه کاشف از حکم واقعی است نه مولد حکم.

قطع طریقی، هم کاشف از حکم واقعی و هم مولد حکم است.

۵.قطع به خمریت، در دو حکم «یحرم شرب ذات الخمر» و «یحرم بیع ما یقطع بخمریته» به ترتیب چه قطعی است؟

قطع طریقی – قطع طریقی

قطع موضوعی – قطع طریقی

*قطع طریقی – قطع موضوعی

قطع موضوعی – قطع موضوعی

جلسه پانزدهم

۱.قطع دارای چند اثر است؟

سه اثر؛ منجزیت، معذریت، حجیت ذاتی

دو اثر؛ حجیت ذاتی و معذوریت در مخالفت

*سه اثر؛ منجزیت، معذریت، جواز اسناد حکم به مولی

دو اثر؛ جواز اسناد حکم به مولی و استحقاق عقاب بر مخالفت

۲.قطع به لحاظ «معذریت» و «جواز اسناد حکم به مولی» به ترتیب، چه نوعی است؟

طریقی ـ طریقی

*طریقی ـ موضوعی

موضوعی ـ طریقی

موضوعی ـ موضوعی

۳.القطع بلحاظ جواز إسناد الحکم إلی المولی طریقی ـ إذ جواز الإسناد لم یثبت للحکم الذی قد شرّعه الله سبحانه واقعا، بل لما علم بأنه قد شرّعه ـ بخلافه بلحاظ المعذریّة، فإنه موضوعی .

درست

*نادرست

۴.طبق نظر شهید صدر، منجزیت در چه صورتی مؤکد و غیر معلّق است؟

وقتی انکشاف تکلیف مولی، به وسیله ظن صورت گیرد.

*وقتی انکشاف تکلیف مولی، به وسیله قطع صورت گیرد .

وقتی انکشاف تکلیف مولی، به وسیله حتمال صورت گیرد.

وقتی انکشاف تکلیف مولی صورت گیرد، به هر وسیله که باشد.

۵.مسلک شهید صدر درباره تنجز تکلیف چیست؟

*المنجزیّة ثابتة لمطلق الإنکشاف لا خصوص القعطع .

المنجزیّة ثابتة لخصوص القطع لا لمطلق الإنکشاف.

المنجزیّة لازم لذاتی القطع فإنه من خواصه و لا یثبت إلا له .

المنجزیّة لازم لذاتی القطع، فحیث لا قطع، فلا یصح العقاب بلا بیان.

جلسه شانزدهم

۱.اصل اولی در موارد احتمال ثبوت تکلیف، طبق مبنای شهید صدر و مشهور، به ترتیب چیست؟

منجزیّة الاحتمال ـ منجزیّة الاحتمال

قبح العقاب بلا بیان ـ منجزیّة الاحتمال

*منجزیّهٔ الاحتمال ـ قبح العقاب بلا بیان

قبح العقاب بلا بیان ـ قبح العقاب بلا بیان

۲.طبق مسلک شهید صدر، کدام گزینه از موارد رفع ید از اصل اولی در موارد احتمال ثبوت تکلیف، نیست؟

*هنگام قطع به ثبوت تکلیف واقعی .

هنگام قطع به عدم ثبوت تکلیف واقعی.

هنگام دلالت اماره معتبر بر نفی تکلیف واقعی.

هنگام دلالت اصل عملی بر عدم لزوم احتیاط.

۳.طبق مسلک شهید صدر، به چه دلیل در برخی موارد، از اصل اولی در موارد احتمال ثبوت تکلیف، رفع ید می شود؟

زیرا در این موارد، هیچ قطعی ایجاد نشده است.

*زیرا در این موارد، ترخیص شارع محقق می شود .

زیرا بین دلیل اصل اولی و موارد یاد شده، تعارض ایجاد می شود.

زیرا امکان توجیه فنی جریان اصل اولی در این موارد وجود ندارد.

۴.طبق مسلک شهید صدر، اگر اماره دلالت بر ثبوت تکلیف کند، یا اصل عملی دلالت بر لزوم احتیاط نماید، منجزیّت احتمال مؤکد می شود .

*درست

نادرست

۵.طبق مسلک مشهور، کدام گزینه از موارد رفع ید از اصل اولی در موارد احتمال ثبوت تکلیف، نیست؟

هنگام قطع به تکلیف واقعی.

*هنگام قطع به عدم تکلیف واقعی .

هنگام دلالت اماره معتبر بر ثبوت تکلیف واقعی.

هنگام دلالت اصل عملی بر ثبوت تکلیف واقعی.

جلسه هفدهم

۱.فقیه در مرحله اول استنباط، به چه ادله ای اعتماد می کند؟

ادله ای که مفید قطع باشد، چه ادله محرزه باشد یا غیر محرزه.

ادله ای که مفید ظن باشد، چه ادله محرزه باشد یا غیر محرزه.

ادله محرزه، چه مفید قطع باشد و یا ظنی بوده و منتهی به قطع نشود .

*ادله محرزه که یا مفید قطع است یا حجیّت آن منتهی به قطع می شود .

۲.حجیت دلیل محرزی که مفید قطع به حکم شرعی می باشد، از چه بابی است؟

*حجیت قطع

حجیت اماره

حجیت عقل

حجیت نقل

۳.آیا دلیل محرز، می تواند دلیل مفید ظن به حکم شرعی باشد؟

بله؛ وقتی که حجیت آن منتهی به ظن شود.

*بله؛ وقتی که حجیت آن منتهی به قطع شود .

خیر؛ زیرا امکان ندارد حجیت آن منتهی به قطع شود.

خیر؛ زیرا محرز بودن دلیل، با ظنی بودن آن قابل جمع نیست.

۴.الدلیل المحرز بکلا نحویه، قد یکون شرعیا و قد یکون عقلیا. و الشرعی إما لفظی أو غیر لفظی .

**درست

نادرست

۵.البحث فی الدلیل الشرعی یقع: تارۀ فی تحدید الدلالۀ. و اخری فی ثبوت صغراه. و ثالثۀ فی حجیۀ تلک الدلالۀ .

*درست

نادرست

جلسه هجدهم

۱.در صورت عدم قطع به حجیت دلیل محرز، مقتضای اصل چیست؟

*عدم حجیت

منجزّیت دلیل

جواز نفی آثار حجیّت

جواز ترتیب آثار حجیت

۲.طبق مسلک شهید صدر، مجرد احتمال حجیت دلیل محرز به این معنی است که می توان آثار حجیت را بر آن مترتب نمود .

درست

*نادرست

۳.اگر اماره ای که حجیت آن قطعی نیست، بر نفی تکلیفی دلالت کند، وظیفه مکلف چیست؟

عمل به حکم عقل بر برائت عقلی

عمل به حکم عقل بر برائت شرعی

*عمل به حکم عقل بر منجزیّت احتمال

عمل به حکم عقل بر جواز نفی آثار حجیت

۴.اگر اماره ای که حجیت آن قطعی نیست، بر خلاف دلیل برائت، بر ثبوت تکلیفی دلالت کند، وظیفه مکلف چیست؟

جریان برائت؛ زیرا اصل بر اماره حکومت دارد.

*جریان برائت؛ زیرا تکلیف با اماره مشکوک ثابت نمی شود .

عمل به احتیاط؛ زیرا احتمال ثبوت تکلیف با اماره مشکوک، وجود دارد.

عمل به احتیاط؛ زیرا لازمه رعایت حق طاعت مولی، انجام تکلیف است.

۵.اصل هنگام شک در حجیت دلیل، اقتضای عدم حجیت دارد. یعنی در مقام عمل باید آثاری را مترتب نمود که اگر اماره مشکوک وجود نداشت، ثابت بودند .

*درست

نادرست

جلسه نوزدهم

۱.اگر دلیل محرز حجت باشد، مدلول مطابقی و التزامی آن مطلقا حجت است .

درست

*نادرست

۲.گزینه صحیح در مورد حجیت یا عدم حجیت مدلول التزامی دلیل محرزی که حجّت می باشد، کدام است؟

مطلقا حجت است.

مطلقا حجت نیست .

اگر لازمه عقلیِ دلیل باشد، حجّت است.

*اگر لازمه شرعیِ دلیل باشد، حجّت است .

۳.آیا مدلول التزامی دلیل محرز مفید قطع حجت است؟ چرا؟

خیر؛ زیرا مدلول التزامی دلیل محرز، مطلقا حجّت نیست.

*بله؛ زیرا به تبع آن، قطع به مدلول التزامی حاصل می شود .

خیر؛ زیرا قطعی بودن آن به مدلول التزامی سرایت نمی کند.

بله؛ زیرا مدلول التزامی دلیل محرز حجّت، مطلقا حجّت است.

اگر حجیّت برای عنوان دلیل اماره ثابت باشد، و آن عنوان بر مدلول التزامی آن نیز صادق باشد، مدلول التزامی حجّت است؟ چرا؟

*بله؛ زیرا با تمسک به اطلاق دلیل حجیّت دلیل، حجیّت مدلول نیز ثابت می شود .

بله؛ زیرا با تمسک به حجیّت مطلق مدلول التزامی، حجیّت آن نیز ثابت می شود.

خیر؛ زیرا نمی توان با تمسک به اطلاق دلیل حجیّت دلیل، حجیّت مدلول را ثابت نمود.

خیر؛ زیرا با تمسک به عدم حجیّت مطلق مدلول التزامی، عدم حجیّت آن نیز ثابت می شود.

در موارد ثبوت حجیت برای عنوانی که بر مدلول التزامی صدق نمی کند، می توان با تمسک به تلازم بین علم به صدق واقعی مدلول مطابقی، با صادق بودن مدلول التزامی آن، حجیت مدلول التزامی را اثبات نمود .

*درست

نادرست

جلسه بیستم

۱.اگر عنوانِ دارای حجیت، بر مدلول التزامی صادق نباشد، طبق نظر مشهور و مرحوم خویی به ترتیب، مدلول التزامی حجت است یا نه؟

حجت است – حجت است.

*حجت است – حجت نیست .

حجت نیست – حجت است.

حجت نیست – حجت نیست.

۲.نظر سید خویی (ره) در مورد مدلول التزامی در فرض عدم صدق عنوان دلیل حجّت بر آن این است که فقط امکان تعبد به مدلول مطابقی وجود دارد، لذا مدلول التزامی مطلقا حجت نیست .

درست

*نادرست

۳.نظر شهید صدر، در مورد مدلول التزامی، در صورت صادق نبودن عنوان دارای حجیت بر مدلول التزامی، چیست؟

*طبق نظر مشهور، حجت است .

طبق نظر مشهور، حجت نیست.

طبق نظر مرحوم خویی، حجت است.

طبق نظر مرحوم خویی، حجت نیست.

۴.با توجه به عدم لحاظ حیثیت کشف در حجیت اصول عملیه، آیا می توان از تعبد به آنها تعبد به لوازم آنها را استفاده کرد؟

خیر؛ مگر در صورتی که لوازم آنها موضوع حکم قرار گیرد.

بله؛ مگر در صورتی که لوازم آنها موضوع حکم قرار نگیرد.

*خیر؛ مگر در صورت دلالت دلیل خاص بر حجیت لوازم آنها .

بله؛ مگر در صورت دلالت دلیل خاص بر عدم حجیت لوازم آنها.

۵.مراد از عبارت «إنّ الأصل المثبت لیس حجةً بخلاف الأمارةُ المثبتةُ» چیست؟

یعنی لوازم اصول عملیه، مطلقا حجیّتی ندارد.

یعنی مدلول التزامی اماره، مطلقا حجت نیست.

یعنی به خلاف اصل، لوازم اماره حجت نیست .

*یعنی به خلاف اماره، لوازم اصل حجت نیست .

جلسه بیست ویکم

۱.کدام مورد در تبعیت دلالت التزامی از دلالت مطابقی، مورد قبول بوده و اشکالی در آن نیست؟

تبعیت در کشف

تبعیت در حجیت

تبعیت در اماریّت

*تبعیت در اصل وجود

۲.در بحث تبعیت دلالت التزامی از مطابقی در حجیت، چه مطلبی محل بحث است؟

- تلازم ثبوت حجیت مدلول مطابقی، با ثبوت حجیت برای مدلول التزامی.
- تلازم ثبوت حجیت مدلول التزامی، با ثبوت حجیت برای مدلول مطابقی.
- *تلازم سقوط مدلول مطابقی از حجیت، با سقوط مدلول التزامی اعم، از حجیت .
- تلازم سقوط مدلول مطابقی از حجیت، با سقوط مدلول التزامی مساوی، از حجیت.

۳.گزینه صحیح در مورد سقوط مدلول التزامی از حجیت به تبع سقوط مدلول مطابقی از حجیت، در «مدلول التزامی اعم» و «مدلول التزامی مساوی» به ترتیب کدام است؟

- *محل بحث است – مورد پذیرش است .
- محل بحث است – محل بحث است.
- مورد پذیرش است – محل بحث است.
- مورد پذیرش است – مورد پذیرش است.

۴.«دلیل امر به نماز نسبت به ازاله نجاست» و «روز نسبت به طلوع آفتاب»، به ترتیب مثال برای کدام یک از اقسام مدلول التزامی است؟

- اعم – اعم
- مساوی – اعم
- *اعم – مساوی
- مساوی – مساوی

۵.لازمه علم به بطلان مدلول مطابقی، علم به بطلان مدلول التزامی مساوی با آن نیز هست، زیرا همان سببی که موجب سقوط مدلول مطابقی از حجیت شده موجب سقوط مدلول التزامی نیز می شود .

- *درست
- نادرست

۶.دلیل قائلین به عدم تبعیت دلالت التزامی از مطابقی در حجیت چیست؟

- الف)لازمه حجیت یکی از دو دلالت در کلام، بطلان دیگری نیست .
- *لازمه بطلان یکی از دو دلالت در کلام، بطلان دیگری نیست .
- لازمه حجیت یکی از دو دلالت در کلام، حجیت دیگری نیست.
- لازمه بطلان یکی از دو دلالت در کلام، حجیت دیگری نیست.

جلسه بیست ودوم

۱.دلیل اول قائلین به تبعیت دلالت التزامی از دلالت مطابقی چیست؟

- لازمه حجیت دلالت التزامی، تفرع دلالت مطابقی بر آن در همه لوازم است.
- لازمه حجیت دلالت مطابقی، تفرع دلالت التزامی بر آن در همه لوازم است.
- لازمه تفرع دلالت التزامی بر مطابقی در حجیت، تفرع در اصل وجود نیز هست.
- *لازمه تفرع دلالت التزامی بر مطابقی در اصل وجود، تفرع در حجیت نیز هست .

۲.پاسخ به دلیل اول قائلین به تبعیت دلالت التزامی از دلالت مطابقی، چیست؟

لازم مساوی، در واقع همان لازم اعم است.

لازم اعم، در واقع همان لازم مساوی است.

تفرع در حجیت، ملازم با تفرع در وجود نیست.

*تفرع در وجود، ملازم با تفرع در حجیت نیست .

۳.اشکال قائلین به تبعیت دلالت التزامی از دلالت مطابقی در حجیت، به بیان :تلازم تفرع در وجود با تفرع در حجیت این است که، تفرع در وجود، ملازم با تفرع در حجیت نیست، زیرا می توان ادعا کرد هر یک از مدلول مطابقی و التزامی، موضوعی مستقل برای حجیت هستند .

*درست

نادرست

۴.دلیل دوم قائلین به تبعیت دلالت التزامی از دلالت مطابقی، چیست؟

*لازم اعم، در واقع همان لازم مساوی است که در تبعیت آن بحثی نیست .

نزد عرف، بین لازم اعم و مساوی فرقی نیست، لذا حکم آن دو یکی است.

می توان لازم اعم را با عنایت به رابطه کل و جزء، لازم مساوی محسوب کرد.

نمی توان مدلول مطابقی و التزامی را موضوع مستقل برای حجیت در نظر گرفت.

۵.وقتی در مثال خبر دادن از افتادن زید در آتش، در واقع خبر از مرگ اعم زید داده شده است، نه از مرگ ناشی از افتادن در آتش، لذا می توان قائل شد که مدلول التزامی در حجیت، تابع مدلول مطابقی است .

درست

نادرست

جلسه بیست و سوم

۱.دلیل محرز قطعی به ترتیب در چه امری جانشین هر یک از «قطع طریقی» و «قطع موضوعی» می شود؟

تعذیر و تنجیز ـ تعذیر و تنجیز

*تنجیز و تعذیر ـ احکام شرعی مترتب بر آن

احکام شرعی مترتب بر آن ـ تنجیز، نه تعذیر

احکام شرعی مترتب بر آن ـ تعذیر، نه تنجیز

۲.بحثی در این نیست که دلیل محرز اگر قطعی نباشد ولی اماره معتبر باشد، در تنجیز و تعذیر جانشین قطع طریقی می شود .

*درست

نادرست

۳.اگر از لسان دلیل فهمیده شود که ذکر قطع خصوصیت دارد و از باب کاشف تام بودن آن است، اماره حجت می تواند جانشین قطع موضوعی شود؟ چرا؟

بله؛ زیرا فردی برای موضوع است.

*خیر؛ زیرا فردی برای موضوع نیست .

خیر؛ زیرا به مرحله قطع نرسیده است.

بله؛ زیرا می تواند جانشین قطع باشد.

۴.اگر دلیل خاصی بر لزوم ترتیب آثار قطع موضوعی بر اماره حجت اقامه شود، در اینصورت اماره جانشین قطع موضوعی می شود .

*درست

نادرست

۵.استناد مؤدای اماره حجت به شارع، در صورت «قول به قیام اماره حجت در مقام قطع موضوعی به صورت کاشف تام» و «عدم آن» به ترتیب، جایز است یا نه؟

جایز است – جایز است.

جایز نیست – جایز است.

*جایز است – جایز نیست .

جایز نیست – جایز نیست.

جلسه بیست و چهارم

۱.یقصد من الدلیل الشرعی، البیان الصادر من الشارع المقدس .

*درست

نادرست

۲.کدام مورد جزو اقسام سه گانه دلالت نیست؟

*دلالت اعتباری

دلالت تصوری

دلالت تصدیقی اولی

دلالت تصدیقی ثانی

۳.«خطور معنی در ذهن هنگام شنیدن لفظ، هر چند از غیر انسان» و «دلالت لفظ بر اینکه قصد متکلم استعمال لفظ در معنای آن است» به ترتیب، چه دلالتی است؟

دلالت تصدیقی اولی – دلالت تصوری

*دلالت تصوری – دلالت تصدیقی اولی

دلالت تصوری – دلالت تصدیقی ثانی

دلالت تصدیقی اولی – دلالت تصدیقی ثانی

۴.مراد از دلالت تصدیقی اولی این است که لفظ دلالت کند بر اینکه متکلم از استعمال معنی قصد اخبار از ثبوت معنای آن را نموده است .

درست

*نادرست

۵.دلالت لفظ در «گوینده غیر ملتفت»، «گوینده ملتفت جدی» و «گوینده ملتفتی که شوخی می کند» به ترتیب، از کدام قسم دلالت است؟

تصدیقی ثانی – تصدیقی اولی – تصوری

تصدیقی اولی – تصوری – تصدیقی ثانی

*تصوری – تصدیقی ثانی – تصدیقی اولی

تصوری – تصدیقی اولی – تصدیقی ثانیآزمون

جلسه بیست و پنجم

۱.الدلالهٔ اللفظیهٔ تعنی سببیهٔ تصور اللفظ لخطور معناه الی الذهن .

*درست

نادرست

۲.کدام گزینه جزو اقوال سه گانه در نوع معتبر، نزد قائلین به مسلک اعتبار در وضع، نیست؟

وضع؛ اعتبار لفظ بر معنی است، مانند علائم راهنمایی.

وضع؛ اعتبار لفظ به عنوان وسیله ای برای تفهیم معنی است.

وضع؛ اعتبار سببیت است، یعنی لفظ سبب برای تصور معنی است.

*وضع؛ اعتبار عینیت است، یعنی لفظ بذاته سبب برای تصور معنی است .

۳.منشأ وضع در «مسلک اعتبار» و «مسلک تعهد» به ترتیب، چیست؟

ذات لفظ – ذات لفظ

وضع واضع – ذات لفظ

ذات لفظ – وضع واضع

*وضع واضع – وضع واضع

۴.گزینه صحیح در مورد فرق بین مسلک اعتبار و مسلک تعهد در وضع، کدام است؟

*وضع در مسلک تعهد؛ سبب دلالت تصدیقی، و در اعتبار؛ سبب دلالت تصوری است .

وضع در مسلک تعهد؛ سبب دلالت تصوری، و در اعتبار؛ سبب دلالت تصدیقی است.

وضع در مسلک تعهد؛ سبب دلالت تصدیقی اولی، و در اعتبار؛ سبب دلالت تصدیقی ثانی است.

وضع در مسلک تعهد؛ سبب دلالت تصدیقی ثانی، و در اعتبار؛ سبب دلالت تصدیقی اولی است.

۵.بنابر مسلک تعهد، واضع اول وجود ندارد زیرا هر کسی که لفظ را استعمال کند واضع محسوب می شود، اما در مسلک اعتبار، وضع فقط از شخص اول صادر می شود .

*درست

نادرست

جلسه بیست و ششم

۱.در مسلک تعهد، اگر همه مستعمِلین تعهد به قضیه شرطیه «هرگاه لفظ را بیاورم قصد فلان معنی را دارم» داشته باشند، چه اشکالی پیش می آید؟

لازمه آن تضییق در دایره استعمال لفظ به صورت مجازی است.

لازمه آن نادیده گرفتن قضیه شرطیه، در استعمال مجازی است.

لازمه آن عدم امکان تشخیص معنی حقیقی از معنی مجازی است.

*لازمه آن تعهد ضمنی به عدم استعمال لفظ به صورت مجازی است .

۲.اشکال مسلک تعهد این است که موجب می شود وضع عملیاتی دقیق باشد که مبتنی بر درک این قضیه شرطیه است که «هرگاه لفظ را بیاورم قصد فلان معنی را دارم»، در حالیکه با قرن أکید سازگاری ندارد .

درست

*نادرست

۳.الصحیح فی حقیقهٔ الوضع أن یقال: إنها تقوم علی أساس قانون تکوینی فطر الله سبحانه الذهن البشری علیه، و هو أنه کلما اقترن شیئان اقترانا مؤکدا فی ذهن الانسان، أصبح تصوّر أحدهما موجبا لتصوّر الآخر .

*درست

نادرست

۴.کدام نظریه در وضع، می تواند در مسلک قرن أکید دخیل باشد؟ چگونه؟

*نظریه اعتبار؛ به صورت طریقی برای ایجاد قرن أکید .

نظریه تعهد؛ به صورت طریقی برای ایجاد قرن أکید.

نظریه اعتبار؛ به صورت مؤیدی برای ایجاد قرن أکید.

نظریه تعهد؛ به صورت مؤیدی برای ایجاد قرن أکید.

۵.با توجه به مسلک قرن أکید در وضع، گزینه صحیح در مورد سبب «دلالت تصوری» و «دلالت تصدیقی اولی و ثانی» به ترتیب، کدام است؟

اراده ـ ظهور حالی

ظهور حالی ـ اراده

ظهور حالی ـ وضع

*وضع ـ ظهور حالی

جلسه بیست و هفتم

۱.المعروف تقسیم الوضع من ناحیهٔ سببه إلی تعیینی؛ و هو ما نشأ من کثرهٔ الاستعمال بدرجهٔ أوجب الأنس الشدید بین اللفظ و المعنی، و إلی تعینی؛ و هو ما نشأ من جعل خاص .

درست

*نادرست

۲.با توجه به تقسیم وضع به تعیینی و تعیّنی، وضع تعیّنی طبق «مسلک اعتبار» و «مسلک تعهد»، به ترتیب امکان دارد یا نه؟

*امکان ندارد ـ امکان ندارد .

امکان دارد ـ امکان دارد.

امکان ندارد ـ امکان دارد.

امکان دارد ـ امکان ندارد.

۳.بنابر اینکه کثرت استعمال در مسلک اعتبار و تعهد موجب کشف از وجود اعتبار یا تعهد سابق است، فرق بین وضع تعیینی و تعیّنی در چیست؟

نوع علاقه

نوع کشف

*نوع کاشف

نوع استعمال

۴.کاشف از اعتبار و تعهد در «وضع تعیّنی» و «وضع تعیینی» به ترتیب، چیست؟

کثرت استعمال ـ نوع استعمال

نوع استعمال ـ تبادر و امثال آن

تبادر و امثال آن ـ کثرت استعمال

*کثرت استعمال ـ تبادر و امثال آن

۵.در کدام یک از نظریه های موجود در وضع، وضع تعیّنی حاصل می شود؟

تعهد

اعتبار

ذات لفظ

*قرن أکید

جلسه بیست و هشتم

۱.واضع هنگام تصور معنی گاهی آن را بنفسه در نظر می گیرد، و گاهی با عنوان عامی که از آن حکایت می نماید .

*درست

نادرست

۲.عام یا خاص بودن وضع، بستگی به چه چیزی دارد؟

معنایی که لفظ بر آن دلالت دارد.

*معنایی که واضع در نظر گرفته است .

معنایی که در ذهن شنونده تداعی دارد.

معنایی که لفظ در آن استعمال شده است.

۳.در «تصور معنای عام و وضع لفظ برای آن» و «تصور معنای خاص و وضع لفظ برای آن» به ترتیب، چه وضعی صورت می گیرد؟

وضع عام موضوع له عام ـ وضع عام موضوع له خاص

*وضع عام موضوع له عام ـ وضع خاص موضوع له خاص

وضع عام موضوع له خاص ـ وضع خاص موضوع له عام

وضع عام موضوع له خاص ـ وضع خاص موضوع له خاص

۴.مثال برای «وضع خاص موضوع له خاص» و «وضع عام موضوع له عام» به ترتیب، کدام است؟

حروف ـ اعلام اجناس

اعلام شخصی ـ حروف

*اعلام شخصی ـ اسماء اجناس

اسماء اجناس ـ اعلام شخصی

۵.تصور معنی و وضع لفظ، در «وضع عام و موضوع له خاص» چگونه صورت می گیرد؟

واضع، معنای خاصی را در نظر می گیرد و لفظ را برای آن وضع می کند.

واضع، معنای عامی را در نظر می گیرد و لفظ را برای خود آن وضع می کند.

*واضع، معنای عامی را در نظر می گیرد و لفظ را برای افراد آن وضع می کند .

واضع، معنای خاصی را در نظر می گیرد و لفظ را برای نوع آن وضع می کند.

جلسه بیست و نهم

۱.کدام گزینه در مورد امکان و وقوع «وضع عام و موضوع له خاص» صحیح است؟

امکان دارد، اما واقع نشده است.

نه امکان دارد و نه واقع شده است.

*هم امکان دارد و هم واقع شده است، مانند وضع حروف .

هم امکان دارد و هم واقع شده است، مانند وضع اسماء اجناس.

۲.با توجه به تقسیم وضع به لحاظ معنای متصوّر، روشن است که امکان وقوع «وضع خاص و موضوع له عام» وجود دارد، زیرا فرد می تواند به صورت عنوان مشیر منطبق بر عام تصور شود .

درست

*نادرست

۳.در «وضع خاص و موضوع له عام» معنای متصور مد نظر است، بر خلاف سه قسم دیگر که لفظ متصور در نظر گرفته می شود .

درست

*نادرست

۴.تقسیم وضع به «نوعی و شخصی» به چه اعتباری است؟

به اعتبار کاشفیت

*به اعتبار تصور لفظ

به اعتبار منشأ وضع

به اعتبار معنی متصوّر

۵.در کدام گزینه مثال برای وضع شخصی و نوعی، به ترتیب ذکر شده است؟

اسماء اجناس ـ اعلام شخصی

اعلام شخصی ـ اسماء اجناس

*اسماء اجناس ـ هیئت اسم فاعل

هیئت اسم فاعل ـ اعلام شخصی

جلسه سی ام

۱.در «صلاحیت لفظ برای دلالت بر معنی حقیقی» و «صلاحیت لفظ برای دلالت بر معنی مجازی» به ترتیب، چند اقتران وجود دارد؟

دو اقتران ـ دو اقتران

*یک اقتران ـ دو اقتران

دو اقتران ـ یک اقتران

یک اقتران ـ یک اقتران

۲.متی اقترنت باللفظ قرینۀ المعنی المجازی صار بالفعل دالا علی المعنی المجازی، و متی لم تقترن به کان دالا علی المعنی الحقیقی .

*درست

نادرست

۳.در فرض نیاز صحت استعمال مجازی به وضع، باید با وضع برای معنی حقیقی متحد باشد یا مختلف؟ چرا؟

متحد؛ زیرا اگر مختلف باشد، صلاحیت آن برای مجاز مخفی می ماند.

مختلف؛ زیرا معنی مجازی، با قرن أکید و صلاحیت امکان پذیر است.

*مختلف؛ زیرا اگر متحد باشد، معنی مجازی تبدیل به حقیقی می شود .

متحد؛ زیرا برای معنی مجازی، هم صلاحیت و هم قرن أکید لازم است.

۴.در صورت نیاز صحت استعمال مجازی به وضع، وضع مجازی به چه صورتی باید باشد؟

*در طول وضع حقیقی؛ به گونه ای که وقتی قرینه نباشد معنی حقیقی، و وقتی قرینه باشد، معنای مجازی انسباق به ذهن پیدا کند .

در طول وضع حقیقی؛ به گونه ای که وقتی قرینه نباشد معنی مجازی، و وقتی قرینه باشد، معنای مجازی انسباق به ذهن پیدا کند.

در عرض وضع حقیقی؛ به گونه ای که وقتی قرینه نباشد معنی حقیقی، و وقتی قرینه باشد، معنای مجازی انسباق به ذهن پیدا کند.

در عرض وضع حقیقی؛ به گونه ای که وقتی قرینه نباشد معنی مجازی، و وقتی قرینه باشد، معنای مجازی انسباق به ذهن پیدا کند.

۵.طبق بیان مصنف اگر مراد از صحت استعمال مجازی «حسن آن» یا «انتساب استعمال به لغتی مثل عربی» باشد، به ترتیب، نیاز به وضع جدید دارد یا نه؟

نیاز دارد ـ نیاز دارد.

نیاز دارد ـ نیاز ندارد.

نیاز ندارد ـ نیاز دارد.

*نیاز ندارد ـ نیاز ندارد .

جلسه سی و یکم

۱.تعریف «تبادر» که یکی از علائم تشخیص معنای حقیقی از معنای مجازی می باشد، کدام است؟

*سبق معنی به ذهن از حاق لفظ

وجود معنی لفظ در ذهن شنونده

علم شنونده به معنی مراد از لفظ

سبق معنی به ذهن از قرینه کلام

۲.با توجه به این بیان که «تبادرِ معنی حقیقی از لفظ، متفرع بر عِلم شخص به وضع است» چه اشکالی بر علامت حقیقت بودنِ تبادر وارد می شود؟

*لازمه تبادر، دور است .

لازمه تبادر، تناقض است.

لازمه تبادر، تسلسل است.

لازمه تبادر، تعدد وضع است.

۳.گزینه صحیح در پاسخ به اشکال لزوم دور از تبادر، کدام است؟

تبادر، فرعِ علم نزد عالم است، در حالیکه مطلوب از تبادر علم نزد مستعلِم است.

*تبادر، فرعِ علم ارتکازی به معنی است، در حالیکه مطلوب از تبادر علم تفصیلی است .

تبادر، فرعِ علم تفصیلی به معنی است، در حالیکه مطلوب از تبادر علم ارتکازی است.

تبادر، فرعِ علم نزد اهل لغت است، در حالیکه مطلوب از تبادر علم نزد غیر اهل لغت است.

۴.طبق بیان مصنف، از آنجا که تبادر متفرع بر واقعِ قرن أکید است، در حالیکه مطلوب از تبادر تحصیل علم بدون قرن أکید است، لذا لازمه تبادر اشکال دور نیست .

درست

*نادرست

۵.بر مبنای مصنف در ردّ لزوم دور از تبادر اشکال شده است که «اگر تبادر متفرع بر واقعِ قرن أکید است، چرا برای غیر عالم به لغت حاصل نمی شود؟«، پاسخ این اشکال چیست؟

*علت آن عدم وجود واقع قرن أکید نزد غیر عالم به لغت است .

علت آن عدم تصوّر واقع قرن أکید نزد غیر عالم به لغت است.

علت آن عدم فعلیت واقع قرن أکید نزد غیر عالم به لغت است.

علت آن عدم کشف واقع قرن أکید نزد غیر عالم به لغت است.

جلسه سی و دوم

۱.«موضوع له بودن معنی برای لفظ» و «مصداق بودن معنی برای عنوانی که معنای موضوع له است» به ترتیب، نتیجه صحت حمل لفظ بر معنی به چه حملی است؟

حمل شایع ـ حمل شایع

*حمل اولی ـ حمل شایع

حمل شایع ـ حمل اولی

حمل اولی ـ حمل اولی

۲.اگر حمل لفظ بر معنی به حمل اولی صحیح نباشد، دلیل است بر اینکه به حمل شایع نیز نمی توان لفظ را بر معنا حمل نمود .

درست

*نادرست

۳.بر علامت بودن صحت حمل برای تعیین معنای حقیقی از معنای مجازی، چه اشکال وارد شده است؟

صحت حمل فقط کشف از اراده جدی می کند، اما کشف از معنی حقیقی نمی کند.

الف) صحت حمل فقط دلالت بر حمل اولی می کند، اما ملازمه ای با معنی حقیقی ندارد.

صحت حمل فقط دلالت بر مرتکزات عرفی می کند، اما دلالت بر معنی حقیقی ندارد.

*صحت حمل فقط کشف از اراده معنی می کند، اما ملازمه با حقیقی بودن معنی ندارد .

۴.تعریف اطراد، که یکی از راه های تشخیص معنای حقیقی از مجازی می باشد، کدام است؟

صحت سبق معنی از لفظ به لحاظ جمیع افراد و جمیع حالات

صحت سبق معنی از لفظ به لحاظ جمیع افراد نه جمیع حالات

*صحت استعمال لفظ در معنی به لحاظ جمیع حالات و جمیع افراد

صحت استعمال لفظ در معنی به لحاظ جمیع حالات نه جمیع افراد

۵.اشکال علامت بودن اطراد برای تشخیص معنی حقیقی از مجازی این است که لازمه صحیح بودن استعمال مجازی لفظ در یک معنی به لحاظ فرد یا حالت، صحیح بودن آن به لحاظ همه افراد و حالات است، لذا صحت این نوع استعمال اختصاصی به معنای حقیقی ندارد .

*درست

نادرست

جلسه سی و سوم

۱.إن استعمال کلمة أسد فی الرجل الشجاع مجاز، و قد یحاول تحویله إلی استعمال حقیقی باستعمال کلمة أسد فی الحیوان المفترس غایته یطبّق الحیوان المفترس علی الرجل الشجاع بافتراض أنه مصداق له .

*درست

نادرست

۲.در مجاز عقلی، مجازیت و عنایت در چه چیزی صورت می گیرد؟

در کشف

*در تطبیق

در معنی مراد

در نفس کلمه

۳.نام دیگر «حقیقت سکاکیه» چیست؟

*مجاز عقلی

مجاز مرسل

تعدد دال و مدلول

اجتماع دال و مدلول

۴.استعمال لفظ «ماء» به تنهایی و اراده آب فرات، چه استعمالی است؟

مجازی؛ زیرا لفظ ماء برای طبیعی وضع نشده، بلکه برای حصه وضع شده است.

حقیقی؛ زیرا لفظ ماء برای حصه وضع شده، نه اینکه برای طبیع وضع شده باشد.

*مجازی؛ زیرا لفظ ماء برای حصه وضع نشده، بلکه برای طبیعی وضع شده است .

حقیقی؛ زیرا لفظ ماء برای طبیعی وضع شده، نه اینکه برای حصه وضع شده باشد.

۵.استعمال لفظ «ماء الفرات» و اراده آب فرات، چه استعمالی است؟

مجازی؛ زیرا لفظ ماء، در حصه خاص آن به کار رفته است.

حقیقی؛ زیرا حصه خاص ماء به وسیله کلمه ماء به تنهایی اراده شده است.

*حقیقی؛ زیرا حصه خاص ماء به وسیله کلمه ماء به تنهایی اراده نشده است .

مجازی؛ زیرا اراده حصه خاص ماء، با آوردن قید «فرات» صورت گرفته است.

جلسه سی و چهارم

۱.«وضع لفظ واحد برای دو معنی» و «وضع دو لفظ برای یک معنی» به ترتیب، تعریف چیست؟

ترادف ـ تجوّز

ترادف ـ اشتراک

تجوّز ـ اشتراک

*اشتراک ـ ترادف

۲.بر اشتراک اشکال شده است که موجب اجمال و تردد شنونده در معنی مقصود می شود که با حکمت وضع، یعنی تفهیم مقصود، منافات دارد .

*درست

نادرست

۳.اگر در مسلک تعهد «تعهد به عدم اتیان لفظ مگر هنگام قصد تفیهم معنای آن» شود، باعث چه اشکالی است؟ چرا؟

امتناع ترادف؛ زیرا لازمه آن تعدد تعهد است که قطعا مقصود متعهد نیست.

امتناع ترادف؛ زیرا لازمه آن عدم امکان تصویر جامع بین معانی متعدد است.

*امتناع اشتراک؛ زیرا لازمه آن تعدد تعهد است که قطعا مقصود متعهد نیست .

امتناع اشتراک؛ زیرا لازمه آن عدم امکان تصویر جامع بین معانی متعدد است.

۴.اگر در مسلک تعهد «تعهد شود هنگام قصد تفهیم معنی، لفظ آورده شود» باعث چه اشکالی است؟ چرا؟

امتناع ترادف؛ زیرا لازمه آن اجمال و تردد شنونده در معنای مقصود است که مخالف حکمت وضع است.

*امتناع ترادف؛ زیرا لازمه آن آوردن دو لفظ هنگام قصد معنای واحد است که قطعا مقصود متعهد نیست .

امتناع اشتراک؛ زیرا لازمه آن آوردن دو لفظ هنگام قصد معنای واحد است که قطعا مقصود متعهد نیست.

امتناع اشتراک؛ زیرا لازمه آن اجمال و تردد شنونده در معنای مقصود است که مخالف حکمت وضع است.

کدام گزینه جزو راه حل های اشکال امتناع اشتراک در مسلک تعهد است؟

تعهد به عدم آوردن لفظ مشترک، مگر هنگام علم شنونده به یکی از معانی

تعهد به عدم آوردن لفظ مشترک، مگر هنگام وجود خصوص یکی از معانی

تعهد به عدم آوردن لفظ مشترک، مگر هنگام تحمل لفظ بر یکی از معانی

*تعهد به عدم آوردن لفظ مشترک، مگر هنگام قصد خصوص یکی از معانی

جلسه سی وپنجم

۱.مراد از «ما وضعت بمجموع مادتها و هیئتها بوضع واحد لمعنی واحد» و «ما وضعت بمادتها لمعنی و بهئتها لمعنی آخر» به ترتیب، چیست؟

*کلمه بسیط ـ کلمه مرکب

کلمه مرکب ـ کلمه بسیط

کلمه مرکب ـ هیئت ترکیبی

هیئت ترکیبی ـ کلمه بسیط

۲.هریک از «اسماء اجناس»، «حروف» و «افعال» به ترتیب جزو کدام یک از اقسام لغت هستند؟

*کلمه بسیط ـ کلمه بسیط ـ کلمه مرکب

کلمه مرکب ـ کلمه مرکب ـ کلمه بسیط

کلمه بسیط ـ کلمه مرکب ـ کلمه بسیط

کلمه مرکب ـ کلمه بسیط ـ کلمه مرکب

۳.معانی جمیع الهیئات و الحروف مستقلهٔ، لأنها عبارهٔ عن النسبهٔ او الربط .

درست

*نادرست

۴.در «السیر الی مکهٔ المکرمهٔ واجب» نسبت در هر یک از کلمه «الی» و «هیئت مبتدا و خبر» به ترتیب چه نسبتی است؟

نسبت تامه ـ نسبت تامه

نسبت تامه ـ نسبت ناقصه

*نسبت ناقصه ـ نسبت تامه

نسبت ناقصه ـ نسبت ناقصه

۵.مراد از «معنی حرفی» و «معنی اسمی» به ترتیب، چیست؟

غیر نسبت ـ نسبت؛ چه مدلول حرف باشد یا هیئت

*نسبت؛ چه مدلول حرف باشد یا هیئت ـ غیر نسبت

نسبتی که مدلول حرف باشد ـ نسبتی که مدلول هیئت باشد.

نسبتی که مدلول هیئت باشد ـ نسبتی که مدلول حرف باشد.

۶.آیا امکان دارد معانی حرفی به صورت مستقل مورد لحاظ قرار گیرند؟

بله؛ زیرا دلالت بر نسبت تامه دارند که یصح السکوت علیها است.

بله؛ زیرا دلالت بر نسبت خبری دارند که یصح السکوت علیها است.

خیر؛ زیرا لازمه دلالت آنها بر نسبت ناقصه، لحاظ در ضمن حروف دیگر است.

*خیر؛ زیرا لازمه تقوم آنها به دو طرف نسبت، لحاظ در ضمن دو طرف نسبت است .

جلسه سی و ششم

۱.نظر خاص محقق نائینی (ره) در مورد فارق بین معنی اسمی و حرفی، چیست؟

معانی اسمی ایجادی، و معانی حرفی اخطاری است.

*معانی اسمی اخطاری، و معانی حرفی ایجادی است .

معانی حرفی غیر مستقل، و معانی اسمی مستقل است.

معانی اسمی غیر مستقل، و معانی حرفی مستقل است.

۲.ان الإخطاریهٔ تعنی أن الاسم یدل علی معنی ثابت فی ذهن المتکلم قبل أن یتکلم، و دور الاسم دور إخطار ذلک المعنی و التعبیر عنه .

*درست

نادرست

۳.مراد از ایجادی بودن معنای حرفی در کلام محقق نائینی (ره) چیست؟

ایجاد ربط توسط حرف بین اجزاء کلام، حتی اگر قبل از تکلم موجود باشد.

ایجاد ربط توسط حرف بین اجزاء کلام، اگر اجزاء کلام مدلول هیئت باشند.

ایجاد ربط توسط حرف بین اجزاء کلام، اگر اجزاء کلام مدلول حرفی باشند.

*ایجاد ربط توسط حرف بین اجزاء کلام، بدون اینکه قبل از تکلم موجود باشد .

۴.اشکال تعریف ارائه شده برای معنای حرفی در کلام محقق نائینی (ره) چیست؟

*معنای حرفی قبل از تکلم در ذهن گوینده وجود دارد، لذا مانند معنای اسمی دارای وجود سابق بر تکلم است .

معنای حرفی قبل از تکلم در ذهن گوینده وجود دارد، بنابراین امکان ایجاد ربط در بین اجزاء کلام وجود ندارد.

معنای حرفی قبل از تکلم در ذهن گوینده وجود ندارد، لذا مانند معنای اسمی دارای وجود سابق بر تکلم نیست.

معنای حرفی قبل از تکلم در ذهن گوینده وجود ندارد، بنابراین امکان ایجاد ربط در بین اجزاء کلام وجود ندارد.

۵.با توجه به توجیه مصنف از معنای ایجادی در بیان محقق نائینی (ره)، پاسخ اشکال وارد شده بر آن روشن می شود، لذا این معنی از ایجادی بودن، مورد پذیرش می باشد .

درست

*نادرست

جلسه سی و هفتم

۱.لکل حرف تعبیر اسمی یرادفه، فـ «إلی» یرادفها فی الأسماء «الإبتداء»، و هکذا .

*درست

نادرست

۲.ترادف بین حروف و اسماء مرادف با آنها، چه ترادفی است؟

ترادف تام؛ زیرا حروف دارای معنای ایجادی هستند.

ترادف غیر تام؛ زیرا حروف دارای معنای اخطاری هستند.

ترادف تام؛ زیرا می توان هریک را به جای دیگری قرار داد.

*ترادف غیر تام؛ زیرا نمی توان یکی را جای دیگری قرار داد .

۳.از آنجا که حرف بر خلاف اسم دلالت بر نسبت دارد، و بر خلاف «إنتهاء»، نمی توان مدلول «إلی» را از طرفین آن جدا کرده و مستقلا لحاظ نمود، نکته عدم امکان قرار دادن حرف و اسم مترادف با آن در جای دیگری، روشن می شود .

*درست

نادرست

۴.کدام گزینه در مورد ترادف بین هیئات جمل و اسماء مرادف با آنها، صحیح است؟

ترادف بین آنها، ترادف تام است.

بین آنها اصلا ترادفی وجود ندارد.

*ترادف بین آنها، ترادف غیر تام است .

فقط در برخی موارد، بین آنها ترادف وجود دارد.

۵.با توجه به اینکه مدلول جمله «زید عالم» إخبار است و اگر گفته شود «زید إخبار عالم» جمله ناقصه بوده و یصح السکوت علیها نیست، چه مطلبی در مورد هیئات جمل و اسماء مرادف با آنها روشن می شود؟

اینکه ترادف بین آنها، تام است.

اینکه ترادفی بین آنها وجود ندارد.

*اینکه ترادف بین آنها غیر تام است .

اینکه ترادف بین آنها گاهی تام و گاهی غیر تام است.

جلسه سی و هشتم

۱.دلالت مشترک بین «کلمات، جمل ناقصه و جمل تامه» و دلالت مختص به «جمل تامه» به ترتیب، کدام است؟

دلالت تصوری ـ دلالت تصدیقی اولی

دلالت تصدیقی ثانی ـ دلالت تصوری

دلالت تصدیقی ثانی ـ دلالت تصدیقی اولی

*دلالت تصدیقی اولی ـ دلالت تصدیقی ثانی

۲.سنخ مدلول تصدیقی اولی در همه الفاظ یکی است، که همان قصد اخطار معنی می باشد .

*درست

نادرست

۳.کدام گزینه در رابطه با سنخ مدلول تصدیقی ثانی صحیح است؟

*با اختلاف جمله ها، سنخ مدلول تصدیقی ثانی مختلف می شود .

با اختلاف جمله ها، سنخ مدلول تصدیقی ثانی مختلف نمی شود .

سنخ مدلول تصدیقی ثانی نزد همه مسلک ها در وضع، واحد است.

سنخ مدلول تصدیقی ثانی نزد همه مسلک ها در وضع، مختلف است.

۴.طبق مسلک قرن أکید، گزینه صحیح در مورد سنخ مدلول تصدیقی ثانی در «زید عالم» و «هل زید عالم» و «صلّ» کدام است؟

در هر سه مورد واحد است.

*در هر سه مورد مختلف است .

در مورد دوم و سوم واحد، و مورد اول مختلف است.

در مورد اول و دوم واحد، و مورد سوم مختلف است.

۵.طبق نظر سید خویی (ره) دلالت لفظی ناشی از وضع، چه نوع دلالتی است؟

*دائما تصدیقی است، نه تصوری .

دائما تصوری است، نه تصدیقی.

معمولا تصدیقی و گاهی تصوری است.

معمولا تصوری و گاهی تصدیقی است.

جلسه سی و نهم

۱.لا شکّ فی أن الموضوع له فی الجمل التامۀ یختلف عنه فی الجمل الناقصۀ، فإن الأولی لا یصح السکوت علیها بخلاف الثانیۀ .

درست

*نادرست

۲.طبق مبنای سید خویی (ره) در وضع، موضوع له جمله «المفید عالم» و «المفید العالم» به ترتیب کدام است؟

*قصد اخبار ـ قصد اخطار صورت این حصه خاص

قصد اخطار صورت این حصه خاص ـ قصد اخبار

قصد اخبار ـ تعهد به قصد ایقاع نسبت تامه خاص

تعهد به طلب فهم و اطلاع از وقوع نسبت ـ اخبار

۳.اشکال بیان سید خویی (ره) در موضوع له جمله این است که، موضوع له در واقع مدلول تصدیقی یعنی همان نسبت است، بنابراین، اختلاف در موضوع له اختلاف در نسبت می باشد .

درست

*نادرست

۴.موضوع له در هر یک از «جمله تامه» و «جمله ناقصه» به ترتیب چه نوع نسبتی است؟

نسبت اندماجیه ـ نسبت اندماجیه

*نسبت غیر اندماجیه ـ نسبت اندماجیه

نسبت اندماجیه ـ نسبت غیر اندماجیه

نسبت غیر اندماجیه ـ نسبت غیر اندماجیه

۵.دلالت در هر یک از «دلالت کلمه صعید» و «دلالت امر بر وجوب» به ترتیب، چه نوع دلالتی است؟

عام ـ عام

عام ـ خاص

*خاص ـ عام

خاص ـ خاص

جلسه چهلم

۱.کدام گزینه در مورد ماده امر صحیح است؟

برای طلب وضع شده است و ظهور در وجوب دارد.

*مشترک لفظی است که یکی از معانی آن، طلب است .

مشترک معنوی است که یکی از موارد آن، طلب است.

برای طلب وضع شده است، اما در معانی دیگر نیز به کار می رود.

۲.با توجه به اینکه ماده امر مشترک لفظی است، تعیین معنای مورد نظر از آن نیازمند قرینه است .

*درست

نادرست
۳.مراد از وضع ماده امر برای طلب، وضع آن برای چه نوع طلبی است؟
انواع طلب، اعم از طلب تکوینی و تشریعی
خصوص طلب تشریعی صادر شده از مستعلی
*طلب تشریعی صادر از عالی حقیقی یا مستعلی
خصوص طلب تشریعی صادر شده از عالی حقیقی
۴.با توجه به آیه «فلیحذر الذین یخالفون عن أمره» و روایت «لولا أن اشقّ علی امتی لأمرتهم بالسّواک» به ترتیب، طلب در امر باید چه نوع طلبی باشد؟
*وجوبی ـ وجوبی
وجوبی ـ استحبابی
استحبابی ـ وجوبی
استحبابی ـ استحبابی
۵.برخی با استناد به تبادر وجوب از امر مولی که علامت حقیقت است، قائل شده اند که طلب در امر باید طلب وجوبی باشد .
*درست
نادرست

جلسه چهل ویکم

۱.طبق نظر مصنف، سبب ذکر معانی مختلف برای صیغه امر چیست؟
خلط بین ماده امر و هئیت صیغه امر
خلط بین مدلول تصوری و مدلول تصدیقی اولی
*خلط بین مدلول تصوری و مدلول تصدیقی ثانی
خلط بین مدلول تصدیقی اولی و مدلول تصدیقی ثانی
۲.مدلول تصوری در صیغه امر چیست؟
نفس مفهوم طلب
نفس مفهوم ارسال
*نسبت طلبی یا ارسالی
داعی در استعمال صیغه امر
۳.«داعی در استعمال صیغه امر» چه نقشی در صیغه امر دارد؟
مدلول تصوری است.
*مدلول تصدیقی ثانی است .
مدلول تصدیقی اولی است.
سبب اتحاد مدلول تصوری در موارد مختلف است.
۴.مدلول تصدیقی موجود در صیغه امر، به چه وسیله ای ثابت می شود؟

*با ظهور حالی

با اراده استعمالی

با قرائن موجود در کلام

با نسبت طلبی یا ارسالی

۵.بنابر مسلک تعهد، موضوع له صیغه امر مدلول تصدیقی می باشد که لازمه آن تعدد معانی صیغه امر با تعدد دواعی است .

*درست

نادرست

جلسه چهل و دوم

۱.داعی بر انشاء صیغه امر در صورت «وضع آن بر نسبت طلبی» و «وضع آن بر نسبت ارسالی» به ترتیب، چیست؟

*طلب ـ طلب

طلب ـ غیر طلب

غیر طلب ـ طلب

غیر طلب ـ غیر طلب

۲.داعی در انشاء صیغه «اغسل ثوبک من البول» چیست؟

قصد طلب ایجاد شیء

قصد اظهار نسبت طلبی

*قصد اخبار از یک حکم

قصد اظهار نسبت ارسالی

۳.صیغه امر در «اغسل ثوبک من البول» چه نامیده می شود؟ چرا؟

*امر ارشادی؛ زیرا ارشاد به یک حکم است .

امر ارشادی؛ زیرا ارشاد به داعی طلب است.

امر مولوی؛ زیرا داعی مولی، نسبت طلبی است.

امر مولوی؛ زیرا داعی مولی، نسبت ارسالی است.

۴.همانطور که ماده امر دلالت بر طلب وجوبی دارد، صیغه امر نیز می تواند دلالت بر طلب وجوبی داشته باشد، به این معنی که دلالت بر نسبت طلبی حاصل شده از اراده لزومی دارد، و دلیل آن نیز اطراد است .

درست

*نادرست

۵.در مورد غیر فعل امر، که بر سر آن لام امر آمده باشد، کدام گزینه صحیح است؟

دلالت بر وجوب دارد اما لازمه طلب در آن مجاز است.

دلالت بر وجوب ندارد، زیرا عدم دلالت آن اتفاقی است.

دلالت بر وجوب ندارد، زیرا دلالت آن مورد اختلاف است.

*دلالت بر وجوب دارد، همانطور که صیغه دلالت بر وجوب دارد .

جلسه چهل و سوم

۱.برخی بر خلاف مصنف قائل اند اگر امر بعد از حرمت یا احتمال حرمت قرار گیرد، علاوه بر نفی حرمت، بر وجوب امر نیز دلالت می کند .

درست

*نادرست

۲.اگر در واجب موقت «فقط یک امر به اتیان بالفعل در داخل وقت» و یا «یک امر به ذات فعل به صورت مطلق و یک امر به انجام آن در داخل وقت» تعلق بگیرد، به ترتیب قضاء با چه امری واجب می شود؟

امر اول ـ امر اول

امر اول ـ امر جدید

*امر جدید ـ امر اول

امر جدید ـ امر جدید

۳.مختار مصنف در مورد وجوب قضاء در واجب موقت، کدام است؟

در آن دو امر وجود دارد، لذا وجوب قضاء با امر اول است.

در آن یک امر وجود دارد، لذا وجوب قضاء با امر اول است.

در آن دو امر وجود دارد، لذا وجوب قضاء به امر جدید است.

*در آن یک امر وجود دارد، لذا وجوب قضاء به امر جدید است .

۴.در صورت قول به «عدم استفاده امر مباشری، در بحث "الأمر بالأمر بالشیء «"اگر مولی به زید امر کند که خالد را امر به انجام کاری کند، در صورتی که خالد قبل از امر زید متوجه خواسته مولی شود، الزام به انجام آن ندارد .

*درست

نادرست

۵.در صورت قول به «استفاده امر مباشری، در بحث "الأمر بالأمر بالشیء"» در مورد «امر مولا به ولی کودک نسبت به امر کودک به نماز» گزینه صحیح کدام است؟

امر کودک به نماز است، به صورت تخییر.

امر کودک به نماز است، به صورت وجوب.

*امر کودک به نماز است، ولو به صورت استحباب .

امر کودک به نماز نیست، ولو به صورت استحباب.

جلسه چهل و چهارم

۱.هر یک از ماده نهی و صیغه نهی، به ترتیب دلالت بر چه چیزی دارند؟

طلب ترک شیء ـ طلب کف از شیء

طلب کف از شیء ـ طلب ترک شیء

زجر به صورت معنی حرفی ـ زجر به صورت معنی اسمی

*زجر به صورت معنی اسمی ـ زجر به صورت معنی حرفی

۲.در صورتی که مفاد نهی «طلب ترک» یا «طلب کف» باشد، به ترتیب، چه امری می باشد؟

امر عدمی ـ امر عدمی

امر وجودی ـ امر عدمی

*امر عدمی ـ امر وجودی

امر وجودی ـ امر وجودی

۳.عبارت «بأن من حصل منه الترک بدون کف، لا یعتبر عاصیا للنهی عرفا» در مقام تعلیل برای چه مطلبی ارائه شده است؟

اثبات اینکه مفاد نهی، طلب کف است.

*اثبات اینکه مفاد نهی، طلب ترک است .

اثبات اینکه مفاد نهی، زجر به صورت معنی حرفی است.

اثبات اینکه مفاد نهی، زجر به صورت معنی اسمی است.

۴.قول صحیح این است که نهی نه طلب ترک است و نه طلب کف، بلکه نهی نسبت به ماده؛ زجر به صورت معنی اسمی، و نسبت به صیغه؛ زجر به صورت معنی حرفی است، و این یعنی متعلق آن فعل است نه ترک .

*درست

نادرست

۵.نهی از جهت ماده و صیغه دلالت بر چه درجه ای از نهی دارد؟ دلیل آن چیست؟

درجه کراهت ـ تبادر

*درجه تحریم ـ تبادر

درجه کراهت ـ اطراد

درجه تحریم ـ اطراد

جلسه چهل و پنجم

۱.در مثال «اکرم الفقیر» متعلق حکم و موضوع له حکم به ترتیب، چیست؟

قید فقر ـ قید اکرم

قید اکرم ـ قید فقیر

قید فقیر ـ قید اکرام

*قید اکرام ـ قید فقیر

۲.قید زوال در «اذا زالت الشمس فصلّ» و قید فقیر در «اکرم الانسان الفقیر» به ترتیب، چه نوعی از قید حکم است؟

شرط ـ موضوع له

متعلق ـ موضوع له

*شرط ـ وصف موضوع

وصف موضوع ـ متعلق

۳.قید در مواردی مانند شرط حکم و متعلق حکم، به صورت مراد استعمالی در حکم دخیل است، اما این به معنای دخیل بودن آن در مراد جدّی نیست .

درست

*نادرست

۴.مراد از قاعده احترازیت قیود، این است که در مواردی مانند «اکرم الانسان الفقیر» فقر وقتی در مرحله تکلم دخیل است، می تواند در مراد جدی نیز دخیل باشد، پس اگر فرد فقیر هم نباشد امکان وجوب اکرام دارد .

درست

*نادرست

۵.با «قاعده احترازیت قیود» چه چیزی ثابت می شود؟

اینکه شخص حکم مضیّق نبوده و امکان حکم دیگری بر موضوع وجود دارد.

اینکه شخص حکم مضیّق است، و قطعا حکم دیگری بر موضوع وجود دارد.

*اینکه شخص حکم مضیّق است، و چیز دیگری بیش از آن را ثابت نمی کند .

اینکه شخص حکم مضیّق بوده و امکان حکم دیگری بر موضوع وجود ندارد.

جلسه چهل و ششم

۱.تصور طبیعت انسان با لحاظ وصفی معین مانند عدالت، تقیید بوده و تصور آن بدون لحاظ وصف، اطلاق می باشد .

*درست

نادرست

۲.اطلاق و تقیید در طبیعت مشترک اند، اما در تقیید، امر وجودی ـ لحاظ خصوصیت ـ و در اطلاق، امر عدمی ـ عدم لحاظ خصوصیت ـ لحاظ شده است .

*درست

نادرست

۳.استعمال اسماء اجناس در مقید، بنابر «وضع اسماء اجناس برای ذات طبیعت جامع بین مطلق و مقید» چه نوع استعمالی است؟

مجازٌ، لعدم تعدد الدال و المدلول.

*حقیقةٌ، ببرکة تعدد الدال و المدلول .

حقیقةٌ؛ لأن الکلمة تستعمل فی الطبیعة المطلقة.

مجازٌ؛ لأن الکلمة لم تستعمل فی الطبیعة المطلقة.

۴.استعمال اسماء اجناس در مقید، بنابر «وضع اسماء اجناس برای طبیعت با قید اطلاق» چه نوع استعمالی است؟

مجازٌ، لعدم تعدد الدال و المدلول.

حقیقةٌ، ببرکة تعدد الدال و المدلول.

حقیقةٌ؛ لأن الکلمة تستعمل فی الطبیعة المطلقة.

*مجازٌ؛ لأن الکلمة لم تستعمل فی الطبیعة المطلقة .

۵.اگر کلمه انسان موضوع حکمی واقع شود و ندانیم که برای مطلق طبیعت انسان ثابت است یا مقید به گروه خاصی از آن است، طبق «وضع اسماء اجناس برای طبیعت با قید اطلاق» امکان اثبات اطلاق وجود دارد؟ چرا؟

*بله؛ زیرا اطلاق، قید موضوع له است .

خیر؛ زیرا قرینه ای برای اطلاق نیست.

خیر؛ زیرا قرینه حکمت در آن وجود ندارد.

بله؛ زیرا در اینجا قرینه حکمت وجود دارد.

۶.اگر کلمه انسان موضوع حکمی واقع شود و ندانیم که برای مطلق طبیعت انسان ثابت است یا مقید به گروه خاصی از آن است، طبق«وضع اسماء اجناس برای ذات طبیعت جامع بین مطلق و مقید»، اثبات اطلاق از چه راهی امکان دارد؟ چرا؟

دلالت وضعیه؛ زیرا اطلاق و تقیید داخل در مدلول وضعی اسم جنس اند.

*قرینه حکمت؛ زیرا اطلاق و تقیید از مدلول وضعی اسم جنس خارج اند .

دلالت وضعیه؛ زیرا قاعده احترازیت قیود در این مورد قابل تطبیق است.

قرینه حکمت؛ زیرا قاعده احترازیت قیود در این مورد قابل تطبیق نیست.

جلسه چهل و هفتم

۱.قضاوت وجدان بر مجاز نبودن استعمال اسم جنس در مقید، بیانگر چه مطلبی در مورد وضع اسماء اجناس است؟

صحت احتمال وضع اسماء اجناس برای طبیعت به قید اطلاق و عدم لحاظ قید.

*صحت احتمال وضع اسماء اجناس برای ذات طبیعت جامع بین مطلق و مقید .

عدم صحت خارج بودن هر یک از اطلاق و تقیید از مدلول وضعی اسماء اجناس.

عدم صحت تمسک به قرینه حکمت برای اثبات مدلول وضعی در اسماء اجناس.

۲.با توجه به اینکه قول صحیح در اسماء اجناس وضع آنها برای ذات طبیعت جامع بین مطلق و مقیّد است، لذا برای اثبات اطلاق باید به قرینه حکمت تمسک نمود .

*درست

نادرست

۳.هر یک از «ظهور حال متکلم در اینکه آنچه را می گوید مراد او است» و «ظهور حال متکلم در اینکه آنچه را نگفته مراد او نیست» به ترتیب، مستند کدام مورد است؟

قرینه حکمت ـ قرینه حکمت

*قاعده احترازیت قیود ـ قرینه حکمت

قرینه حکمت ـ قاعده احترازیت قیود

قاعده احترازیت قیود ـ قاعده احترازیت قیود

۴.اشکالی که بر وضع اسماء اجناس برای ذات طبیعت جامع بین مطلق و مقید وارد شده این است که طبق آن، متکلم هیچ یک از اطلاق و تقیید را بیان نمی کند چرا که هر دو از مدلول لفظ خارج اند، لذا راهی برای تعیین اطلاق وجود نخواهد داشت .

*درست

نادرست

۵.راه تعیین اطلاق طبق «وضع اسماء اجناس برای ذات طبیعت جامع بین مطلق و مقید» و «وضع اسماء اجناس برای طبیعت با قید اطلاق و عدم لحاظ قید» به ترتیب، چیست؟

قرینه حکمت ـ قرینه حکمت

قاعده احترازیت قیود ـ قرینه حکمت

*قرینه حکمت ـ قاعده احترازیت قیود

قاعده احترازیت قیود ـ قاعده احترازیت قیود

۶.در صورت وجود امر مخلّ به ظهور حال متکلم در بیان تمام مراد جدی، اثبات اطلاق به وسیله «قرینه حکمت» و «قاعده احترازیت قیود» به ترتیب، امکان دارد یا نه؟

امکان دارد. ـ امکان دارد.

*امکان ندارد. ـ امکان دارد .

امکان دارد. ـ امکان ندارد.

امکان ندارد. ـ امکان ندارد.

جلسه چهل و هشتم

۱.اطلاق در «استیعاب حکم بر همه افراد طبیعت» و «کفایت امتثال حکم با ایجاد بعضی از افراد طبیعت» به ترتیب کدام یک از اقسام اطلاقی است که با قرینه حکمت ثابت می شود؟

*شمولی ـ بدلی

بدلی ـ شمولی

افرادی ـ بدلی

بدلی ـ احوالی

۲.با توجه به اطلاق هایی که با قرینه حکمت ثابت می شود، اطلاق در «لاتکذب» چه نوع اطلاقی است؟

بدلی

احوالی

افرادی

*شمولی

۳.با توجه به اطلاق هایی که با قرینه حکمت ثابت می شود، اطلاق در «صلّ» چه نوع اطلاقی است؟

*بدلی

احولی

افرادی

شمولی

۴.در مثال «اکرم زیدا» کدام یک از اقسام اطلاقی که با قرینه حکمت ثابت می شود، امکان دارد؟

بدلی

افرادی

*احوالی

شمولی

۵.در مثال «اکرم زیدا» با توجه به اینکه مفاد هیئت اکرم، وجوب به صورت نسبت طلبی است [که معنی حرفی می باشد]، هنگام شک در اطلاق آن بر همه حالات زید یا اختصاص به بعضی از حالات او، می توان برای اثبات اطلاق به قرینه حکمت تمسک نمود .

*درست

نادرست

جلسه چهل ونهم

۱.مراد از لحاظ اطلاق و تقیید در عالم ثبوت و عالم اثبات، به ترتیب، چیست؟

- در کلام ـ در کلام
- *با قطع نظر از کلام ـ در کلام
- در کلام ـ با قطع نظر از کلام
- با قطع نظر از کلام ـ با قطع نظر از کلام

۲.در عالم اثبات، چه نوع تقابلی بین اطلاق و تقیید وجود دارد؟

- تضاد
- تناقض
- تضایف
- *عدم و ملکه

۳.با توجه به اینکه وقتی امکان مقید کردن کلام برای مولی وجود نداشته باشد، کلام متصف به اطلاق نمی شود، چه مطلبی در مورد رابطه بین اطلاق و تقیید ثابت می شود؟

- اینکه بین آن دو، تقابلی وجود ندارد.
- اینکه امکان تقابل تضایف میان آن دو وجود دارد.
- اینکه تقابل بین آن دو در عالم ثبوت، تضاد است.
- *اینکه تقابل بین آن دو در عالم إثبات، عدم و ملکه است .

۴.از آنجا که اطلاق امری عدمی است، احتمال اینکه تقابل بین اطلاق و تقیید در عالم ثبوت تقابل تضاد باشد، منتفی است .

- *درست
- نادرست

۵.تقابل بین اطلاق و تقیید در عالم ثبوت، دائر بین کدام یک از اقسام تقابل است؟

- یا تضاد است، یا تضایف
- یا تناقض است، یا تضاد
- یا تضاد است، یا عدم و ملکه
- *یا تناقض است، یا عدم و ملکه

جلسه پنجاهم

۱.اسم جنس در دو مثال «احلّ اللّه البیع» و «جئنی برجل» به ترتیب دارای چه حالتی است؟

- معرّف به لام ـ نکره مضاف
- معرّف به لام ـ خالی از تنکیر و تعریف
- *معرّف به لام ـ نکره منوّن به تنوین تنکیر
- معرّف به لام ـ نکره منوّن به تنوین تمکین

۲.وضع طبیعی اسم جنس [یعنی دلالت بر طبیعت بدون هیچ اضافه ای] در کدام یک از حالات اسم جنس ثابت است؟

معرّف به لام

*خالی از تنکیر و تعریف

نکره منوّن به تنوین تنکیر

معرّف به لام و نکره مضاف

۳.اثبات دلالت اسم جنس بر اطلاق به وسیله قرینه حکمت، در حالت خالی بودن اسم جنس از تنکیر و تعریف محل اشکال است .

درست

*نادرست

۴.حینما نقول «أکرم عالما» فمفاده أکرم فردا واحدا من أفراد العالم لا بعینه، و هو ما یصطلح علیه بالأطلاق الشمولی .

درست

*نادرست

۵.اسم جنس در حالت «معرف به لام» ، «نکره» و «خالی از تنکیر و تعریف» به ترتیب، برای اطلاق شمولی صلاحیت دارد یا نه؟

*صلاحیت دارد. ـ صلاحیت ندارد. ـ صلاحیت دارد .

صلاحیت ندارد. ـ صلاحیت دارد. ـ صلاحیت ندارد.

صلاحیت دارد. ـ صلاحیت دارد. ـ صلاحیت ندارد.

صلاحیت ندارد. ـ صلاحیت ندارد. ـ صلاحیت دارد.

جلسه پنجاه ویکم

۱.وقتی دلیل انصراف، غلبه وجودی حصه باشد، اطلاق به حال خود باقی است یا نه؟

بله؛ زیرا به دلیل کثرت وجود، بین لفظ و آن حصه، انس ایجاد شده است.

خیر؛ زیرا به دلیل کثرت وجود، بین لفظ و آن حصه انس ایجاد نشده است.

خیر؛ زیرا به دلیل کثرت استعمال، بین لفظ و آن حصه، انس ایجاد شده است.

*بله؛ زیرا به دلیل عدم کثرت استعمال، بین لفظ و آن حصه، انس ایجاد نشده است .

۲.وقتی منشأ انصراف، غلبه استعمال اسم جنس در یک حصه خاص باشد، انس ایجاد شده بین لفظ و آن حصه به صورت وضع تعیّنی، همیشه همراه با نقل است .

درست

*نادرست

۳.اگر غلبه استعمال موجب وضع تعیّنی در قسم خاصی از افراد اسم جنس شود، در صورت همراه بودن آن با «نقل» و یا «عدم نقل» به ترتیب، می توان تمسک به اطلاق نمود؟

بله ـ بله

بله ـ خیر

خیر ـ بله

*خیر ـ خیر

۴.اگر غلبه استعمال موجب انس خاص بین اسم جنس با قسم خاصی از افراد آن شود اما به حد وضع تعیّنی نرسد، می توان برای اثبات اطلاق به قرینه حکمت تمسک نمود؟ چرا؟

خیر؛ زیرا قرینه حکمت در موارد کثرت وجود قابل تمسک است، نه موارد کثرت استعمال.

*خیر؛ زیرا قرینه حکمت متوقف بر عدم قرینه است، و انس خاص صلاحیت قرینه بودن را دارد .

بله؛ زیرا با وجود انس خاص، قاعده احترازیت قیود جاری نمی شود و نوبت به قرینه حکمت می رسد.

بله؛ زیرا با اینکه قرینه حکمت متوقف بر عدم قرینه است، اما انس خاص صلاحیت قرینه بودن را ندارد.

۵.انس ذهنی ناشی از «کثرت وجود» و «کثرت استعمال» به ترتیب، مانع از تمسک به اطلاق است یا نه؟

مانع است. ـ مانع است.

مانع است. ـ مانع نیست.

*مانع نیست. ـ مانع است .

مانع نیست. ـ مانع نیست.

جلسه پنجاه و دوم

۱.الإطلاق اللفظی هو أن یفترض وجود لفظ یحکی عن مفهوم یشک فی سعته و تقیّده بقید، و بإطلاق اللفظ یثبت إطلاق المفهوم ثبوتا .

*درست

نادرست

۲.در «اطلاق لفظی» و «اطلاق مقامی» آنچه نفی آن اراده شده است، به ترتیب قید برای مفهوم است یا نه؟

قید برای مفهوم است ـ قید برای مفهوم است

قید برای مفهوم نیست ـ قید برای مفهوم است

*قید برای مفهوم است ـ قید برای مفهوم نیست

قید برای مفهوم نیست ـ قید برای مفهوم نیست

۳.اگر امام (ع) در مقام بیان تمام اجزاء نماز باشد و مثلا از بیان جزء بودن سوره سکوت نماید، سکوت ایشان نمی تواند کاشف از جزء نبودن سوره باشد .

درست

*نادرست

۴.در اطلاق مقامی، چگونه احراز می شود که متکلم در مقام بیان مراد است؟

با عموم کلام

با اطلاق کلام

*با قیام قرینه خاص

با ظهور حال متکلم

۵.در اطلاق لفظی، چگونه احراز می شود که متکلم در مقام بیان مراد است؟

با عموم کلام

با قیام قرینه عام

با قیام قرینه خاص

*با ظهور حال متکلم

جلسه پنجاه وسوم

۱.دلالت امر بر طلب وجوبی را نمی توان با قرینه حکمت ثابت نمود .

درست

*نادرست

۲.در تقسیم طلب به نفسی و غیری، به ترتیب چه طلبی مد نظر است؟

طلب شیء معین ـ طلب الشیء لغیره

*طلب الشیء لنفسه ـ طلب الشیء لغیره

طلب شیء معین ـ طلب أحد أشیاء بنحو التخییر

طلب شیء من مکلف معین ـ طلب شیء من أحد المکلفین بنحو البدل

۳.طلب در چه تقسیمی به «طلب شیء من مکلف بعینه» و «طلب شیء من أحد المکلفین بنحو البدل» تقسیم می شود؟

*تقسیم طلب به عینی و کفایی

تقسیم طلب به نفسی و غیری

تقسیم طلب به فوری و موسّع

تقسیم طلب به تعیینی و تخییری

۴.کدام یک از اقسام طلب را نمی توان با تمسک به مقدمات حکمت، اثبات نمود؟

عینی بودن

نفسی بودن

تعیینی بودن

*تخییری بودن

۵.با توجه به اینکه مقتضای کفایی بودن، تقیید طلب به عدم انجام آن توسط دیگری است، این تقیید با مقدمات حکمت نفی شده و عینی بودن طلب ثابت می شود .

*درست

نادرست

جلسه پنجاه و چهارم

۱.شمول در هریک از «کل، در کل رجل» و «العالم، در اکرم العالم» به ترتیب، به چه وسیله ای استفاده می شود؟

عموم ـ عموم

اطلاق ـ عموم

*عموم ـ اطلاق

اطلاق ـ اطلاق

۲.آیا شمول لفظ عشره بر افراد خود، از باب عموم است؟ چرا؟

بله؛ زیرا لفظ آن دلالت بر شمول دارد.

*خیر؛ زیرا لفظ آن دلالت بر شمول ندارد .

بله؛ زیرا ذات آن مقتضی شمول است.

خیر؛ زیرا ذات آن مقتضی شمول نیست.

۳.جریان حکم در تمام افراد الفاظ عموم در صورت «وضع الفاظ عموم برای شمول آنچه از مدخول آن اراده شده» و «وضع الفاظ عموم برای شمول آنچه مدخول علیه صلاحیت آن را دارد» به ترتیب، به چه وسیله ای است؟

نفس ادات عموم ـ نفس ادات عموم

نفس ادات عموم ـ ادات عموم و مقدمات حکمت

*ادات عموم و مقدمات حکمت ـ نفس ادات عموم

ادات عموم و مقدمات حکمت ـ ادات عموم و مقدمات حکمت

۴.برای بطلان جریان حکم در تمام افراد الفاظ عموم با کمک قرینه حکمت، در صورت وضع آنها برای شمول آنچه از مدخول آن اراده شده، استدلال شده به اینکه در این صورت آوردن ادات عموم لغو خواهد بود .

*درست

نادرست

۵.مصنف ثبوت اطلاق با مقدمات حکمت در صورت وضع الفاظ عموم برای شمول آنچه از مدخول آن اراده شده، را به عنوان تأکید برای ادات عموم پذیرفته است .

درست

*نادرست

جلسه پنجاه و پنجم

۱.شمول در هریک از «مفرد معرف به لام» و «جمع خالی از لام» به ترتیب، به چه وسیله ای استفاده می شود؟

عموم ـ عموم

عموم ـ اطلاق

اطلاق ـ عموم

*اطلاق ـ اطلاق

۲.بنابر قول صحیح، دلالت جمع معرف به لام مانند «العلماء» بر عموم در عالم ثبوت، از چه استفاده می شود؟

*از لام

از ماده

از هیئت

از مجموع

۳.اگر استدلال برای دلالت لام در جمع معرف به لام بر عموم در عالم اثبات، به این بیان باشد که لام برای تعیین مدخول خود وضع شده است، گزینه صحیح در مورد عموم استفاده شده از آن کدام است؟

عموم، مدلول مباشری لام است.

عموم، مدلول ماده مدخول لام است.

عموم، مدلول هیئت مدخول لام است.

*عموم، از لوازم مدلول وضعی لام است .

۴.استدلال برای دلالت لام در جمع معرف به لام بر عموم در عالم اثبات، به این بیان که لام در آن برای عموم وضع شده است، دارای چه اشکالی است؟

لازمه آن این است که لام عهد، مجاز باشد، نه مشترک معنوی بین عهد و عموم.

لازمه آن این است که لام عهد، مجاز باشد، نه مشترک لفظی بین عهد و عموم.

*لازمه آن این است که لام عهد؛ یا مجاز باشد، یا مشترک لفظی بین عهد و عموم .

لازمه آن این است که لام عهد؛ یا مجاز باشد، یا مشترک معنوی بین عهد و عموم.

۵.اگر لام در جمع معرف به لام برای تعیین مدخول خود وضع شده باشد، دلالت آن بر عموم فقط در عالم ثبوت ممکن است، اما در عالم اثبات ممکن نیست .

درست

*نادرست

جلسه پنجاه وششم

۱.الکلام إذا کان له مدلول مطابقی ـ کوجوب ا لجمعۀ فی قولنا: صلاۀ الجمعۀ واجبۀ ـ فهو المنطوق، و إذا کان له مدلول التزامی فهو المفهوم. و لکن لیس کل مدلول التزامی مفهوما .

*درست

نادرست

۲.آیا «انتفاء وجوب نماز ظهر» که مدلول التزامی «صلاۀ الجمعۀ واجبۀ» می باشد، مفهوم آن نیز هست؟

بله؛ زیرا بر انتفاء سنخ حکم ثابت شده در منطوق، دلالت دارد.

خیر؛ زیرا بر انتفاء سنخ حکم ثابت شده در مفهوم، دلالت ندارد.

*خیر؛ زیرا انتفاء وجوب نماز جمعه ای که در منطوق ثابت شده، نیست .

بله؛ زیرا انتفاء وجوب نماز جمعه ای است که در منطوق ثابت شده است.

۳.کدام یک از اقسام انتفاء حکم منطوق، مفهوم به شمار می رود؟

مطلق انتفاء حکم

*انتفاء طبیعی حکم

انتفاء شخص حکم

انتفاء حکم به عنوان مجازات بر ترک منطوق

۴.در مثال «اذا جاءک زید فأکرمه» انتفاء اکرام به معنی «اگر زید نیامد اکرام او واجب نیست، حتی اگر فقیر باشد» و «انتفاء وجوب اکرام به ملاک جزاء بر آمدن نه ملاکات دیگر»، به ترتیب، از چه جهتی است؟

مفهوم ـ مفهوم

قاعده احترازیت قیود ـ مفهوم

*مفهوم ـ قاعده احترازیت قیود

قاعده احترازیت قیود ـ قاعده احترازیت قیود

۵.مراد از مفهوم، انتفاء طبیعی حکم منطوق هنگام انتفاء قید حکم است، به این صورت که این انتفاء مدلول مطابقی برای ربط حکم در منطوق باشد .

درست

*نادرست

جلسه پنجاه و هفتم

۱.مراد از ربط خاصی که برای مفهوم گیری مورد نیاز می باشد، چه ربطی است؟

ارتباط به صورت علیت غیر منحصره

ارتباط به صورت لزوم بدون علیت

ارتباط اتفاقی به صورت غیر لزومی

*ارتباط معلول به علت منحصره اش

۲.با توجه به اینکه مفهوم انتفاء طبیعی حکم است، لذا باید آنچه به وسیله علت منحصره ارتباط پیدا کرده است طبیعی حکم باشد نه شخص حکم، زیرا اگر شخص حکم باشد با انتفاء آن، طبیعی حکم نفی نمی شود بلکه شخص حکم نفی می شود .

*درست

نادرست

۳.مصنف می پذیرد که مراد از ربط خاص در مفهوم، باید از قبیل ارتباط معلول به علت منحصره آن باشد .

درست

*نادرست

۴.اگر برای ثبوت مفهوم، جزء علت منحصره نیز کافی باشد، آنچه در مفهوم گیری اهمیت دارد، چیست؟

لزوم

تلازم

علیّت

*انحصار

۵.طبق نظر مصنف (ره) جمله «آمدن زید به صورت تصادفی متوقف بر آمدن عمرو است» مفهوم دارد؟ چرا؟

خیر؛ زیرا مفهوم گیری اختصاص به موارد علیت منحصره دارد.

بله؛ زیرا مفهوم گیری اختصاص به دلالت بر توقف تصادفی ندارد.

خیر؛ زیرا دلالت بر توقف تصادفی برای مفهوم گیری کافی نیست.

*بله؛ زیرا دلالت بر توقف و لو تصادفی، برای مفهوم گیری کافی است .

جلسه پنجاه و هشتم

۱.نزد «مشهور» و «محقق اصفهانی» به ترتیب، چه چیزی در جمله شرطیه دلالت بر ربط بین جزاء و شرط دارد؟

اداۀ شرط ـ اداۀ شرط

*اداۀ شرط ـ هیئت جمله شرطیه

هیئت جمله شرطیه ـ اداۀ شرط

هیئت جمله شرطیه ـ هیئت جمله شرطیه

۲.برای مفهوم داشتن جمله شرطیه، اثبات ربط جزاء با شرط کفایت می کند و نیازمند شرط دیگری نیست .

درست

*نادرست

۳.برای اثبات مفهوم برای جمله شرطیه، چه امری لازم است؟

عدم علیت شرط برای جزاء

صرف علیت شرط برای جزاء

جزء العلۀ بودن شرط برای جزاء

*علیت منحصره شرط برای جزاء

۴.برای اثبات مفهوم برای جمله شرطیه، چگونه می توان ثابت کرد که آنچه معلّق بر شرط شده طبیعی حکم است نه شخص حکم؟

با تمسک به اطلاق و قرینه حکمت در مفاد ادات شرط

با تمسک به اطلاق و قرینه حکمت در مفاد جمله شرطیه

با تمسک به اطلاق و قرینه حکمت در مفاد هئیت شرط

*با تمسک به اطلاق و قرینه حکمت در مفاد هیئت جزاء

۵.در جمله «إذا جاء زید فأکرمه» به وسیله قرینه حکمت ثابت می شود که مفاد أکرم، طبیعی وجوب به صورت نسبت ارسالی و معنی حرفی است، زیرا وجوبی که بر آمدن زید معلق شده، مقید به ملاک خاصی نشده است .

*درست

نادرست

جلسه پنجاه و نهم

۱.برای اثبات مفهوم برای جمله شرطیه، آیا می توان با ادعای وضع ادات شرط برای ربط علّی انحصاری ثابت کرد که شرط علت منحصره جزاء است؟ چرا؟

بله؛ زیرا هیچ محذوری به دنبال ندارد، و شامل همه اقسام جملات شرطیه می شود.

*خیر؛ زیرا لازمه آن مجازی بودن استعمال در صورتی است که شرط علت منحصره نباشد .

بله؛ زیرا راه دیگری غیر از آن برای اثبات علت منحصره بودن شرط برای جزاء وجود ندارد.

خیر؛ زیرا لازمه آن عدم امکان تمسک به اطلاق و قرینه حکمت در مفاد هیئت شرط است.

۲.برخی برای اثبات علت منحصره بودن شرط برای جزا گفته اند: ادوات شرط؛ برای تلازم وضع شده اند، علیت؛ از تفریع جزا بر شرط استفاده می شود، و انحصار؛ از اطلاق استفاده می شود. زیرا اگر علت دیگری وجود داشت، شرط با حرف «او» مقید می شد .

*درست

نادرست

۳.در مثال «إذا جاءک زید فأکرمه» موضوع چیست، و در چه حالتی ثابت است؟

زید ـ فقط در حالت وجود شرط

اکرام ـ فقط در حالت وجود شرط

*زید ـ در حالت وجود شرط و عدم شرط

اکرام ـ در حالت وجود شرط و عدم شرط

۴.آیا جمله «إن رزقت ولدا فاختنه» دلالت بر مفهوم دارد؟ چرا؟

بله؛ زیرا شرط معلق بر طبیعی حکم است نه شخص حکم.

خیر؛ زیرا شرط معلق بر شخص حکم است نه طبیعی حکم.

بله؛ زیرا همه اجزاء جمله شرطیه یعنی حکم، شرط و موضوع حکم را دارد.

*خیر؛ زیرا با عدم شرط، موضوعی نیست تا دلالت بر نفی حکم از آن نماید .

۵.مثال «إذا جاءک زید فأکرمه» و «إذا رزقت ولدا فاختنه» به ترتیب، مفهوم دارد یا نه؟

مفهوم دارد ـ مفهوم دارد

*مفهوم دارد ـ مفهوم ندارد

مفهوم ندارد ـ مفهوم دارد

مفهوم ندارد ـ مفهوم ندارد

جلسه شصتم

۱.گفته شده اگر «اکرم الفقیر العادل» مفهوم نداشته باشد اکرام غیر عادل نیز واجب می شود، که لازمه آن عدم مدخلیت وصف عدالت در مراد جدی متکلم است. اما این بیان قابل قبول نیست، زیرا احتمال دارد مدخلیت وصف عدالت به لحاظ شخص حکم باشد نه طبیعی حکم .

*درست

نادرست

۲.برای اثبات مفهوم برای وصف در مانند «اکرم الفقیر العادل» گفته شده «اگر مفهوم نداشته باشد لازمه اش بی فایده بودن ذکر وصف است» این بیان منتهی به چه اشکالی می شود؟

*لغو بودن ذکر وصف

اشتراک لفظی وصف

مجازگویی در بیان متکلم

خروج وصف از مراد متکلم

۳.پاسخ اشکال لزوم لغویت در صورت قول به عدم مفهوم برای وصف، چیست؟

ثبوت مفهوم به صورت سالبه کلیه برای دفع لغویت کافی است.

ثبوت مفهوم به صورت موجبه کلیه برای دفع لغویت کافی است.

ثبوت مفهوم به صورت موجبه جزئیه برای دفع لغویت کافی است.

*ثبوت مفهوم به صورت سالبه جزئیه برای دفع لغویت کافی است .

۴.در بحث مفاهیم، اگر وصف بدون موصوف ذکر شود مانند «اکرم الفقیه» چه نامیده می شود؟

وصف

شرط

*لقب

غایت

۵.با توجه به اینکه در هر حال تا وقتی که موصوف ذکر نشود هیچ لغویتی پیش نمی آید، همه علما اتفاق نظر دارند که وصف مفهوم ندارد .

درست

*نادرست

جلسه شصت و یکم

۱.با صرف نظر از محذور لغویت، آیا غایت و استثناء مفهوم دارند؟ چرا؟

بله؛ زیرا دلالت بر انتفاء طبیعی حکم دارند.

*خیر؛ زیرا دلالت بر انتفاء شخص حکم دارند .

بله؛ زیرا حکم ثابت در منطوق را نفی می کنند.

خیر؛ زیرا حکم ثابت در منطوق را نفی نمی کنند.

۲.در صورت قول به عدم مفهوم برای غایت و استثناء، باید برای دفع محذور لغویت قائل شد که به صورت سالبه جزئیه دارای مفهوم هستند .

*درست

نادرست

۳.هر یک از «وضع» و «ظهور حال متکلم در تطابق بین دلالتین» به ترتیب منشأ کدام یک از دلالات هستند؟

دلالت تصوری ـ دلالت تصدیقی ثانی

دلالت تصدیقی ثانی ـ دلالت تصوری

*دلالت تصوری ـ دلالت تصدیقی اولی

دلالت تصدیقی اولی ـ دلالت تصدیقی ثانی

۴.مراد از «ظهور حال متکلم در تطابق بین دلالتین» تطابق در بین چه دلالت هایی است؟

*دلالت تصوری و دلالت تصدیقی اولی

دلالت تصوری و دلالت تصدیقی ثانی

دلالت تصدیقی اولی و دلالت تصدیقی ثانی

دلالت تصدیقی ثانی و دلالت تصدیقی اولی

۵.حجیّت ظهور موجود در بحث تطابق بین دلالتین، چه نام دارد؟

اصالهٔ الجههٔ

اصالهٔ العموم

*اصالهٔ الحقیقهٔ

اصالهٔ الاطلاق

جلسه شصت و دوم

۱.منشأ دلالت تصدیقی ثانی، ظهور حال متکلم در تطابق بین مدلول تصدیقی اول و مدلول تصدیقی ثانی است .

*درست

نادرست

۲.نام «حجیت ظهور در اینکه مراد جدّی متکلم، عموم می باشد» چیست؟

اصالة الجهة

*اصالة العموم

اصالة التطابق

اصالة الحقیقة

۳.نام «حجیّت ظهور در اینکه مراد جدّی متکلم، مراد استعمالی می باشد و از تقیه و شوخی و ... نشأت نگرفته است» چیست؟

*اصالة الجهة

اصالة العموم

اصالة التطابق

اصالة الحقیقة

۴.ظهور تصوری در معنی حقیقی، با قرینه منفصله دال بر اینکه متکلم معنی دیگری را اراده کرده از بین می رود، اما ظهور در دلالت تصدیقی اولی و ثانی حتی با قرینه متصله از بین نمی رود .

درست

*نادرست

۵.در صورت تعارض بین ظهور اولیه کلام و قرینه منفصله، کدام یک مقدم می شود؟

ظهور اولیه؛ زیرا مقتضای جمع عرفی است.

ظهور اولیه؛ زیرا مقتضای اصالة التطابق است.

*قرینه منفصله؛ زیرا مقتضای جمع عرفی است .

قرینه منفصله؛ زیرا مقتضای اصالة العموم است

جلسه شصت و سوم

۱.وقتی در لسان دلیل عنوان عام یا خاصی ذکر شود، عرف حکم را مختص همان می داند و نمی تواند آن را تعمیم یا تخصیص دهد .

درست

*نادرست

۲.در مثال «اغسل ثوبک إذا أصابه البول» با اینکه مراد از «غَسل» در لغت مطلق شستن با مایع است، عرف با توجه به تناسب حکم و موضوع، چه چیزی از آن می فهمد؟

الغسل بغیر البول

الغسل بایّ مایع کان

*خصوص الغسل بالماء

خصوص الغسل بالکر

۳.در مثال «لا تتوضأ بماء القربة إذا أصابه نجس» با اینکه حکم ذکر شده در مورد آب مشک است، عرف با توجه به تناسب حکم و موضوع، چه چیزی از آن می فهمد؟

اختصاص حکم یاد شده به آب مشک

نجس شدن مشک با نجس شدن آب داخل آن

نیاز جریان حکم در موارد مشابه دیگر به دلیل خاص

*ثبوت حکم یاد شده برای موارد مشابه دیگر مثل آب کوزه

۴.تعمیم و تخصیص عرف در لسان دلیل، غالبا مستند به مناسبات خاص مرتکز در ذهن عرف است که موجب تبادر تعمیم یا تخصیص به ذهن می شود، که مناسبات حکم و موضوع نامیده می شود .

*درست

نادرست

۵.با پذیرش اینکه هر ظهوری حجّت است، آیا «تبادر تعمیم و تخصیص در ذهن عرف از لسان دلیل» حجت است؟ چرا؟

*بله؛ زیرا مصداق ظهور دلیل است .

خیر؛ زیرا مصداق ظهور دلیل نیست.

بله؛ زیرا شارع از آن نهی نکرده است.

خیر؛ زیرا شارع از آن نهی کرده است.

جلسه شصت وچهارم

۱.هر حکمی دارای ملاک است، اما دلیل بر حکم، الزاما دلیل بر ملاک آن نیست .

درست

*نادرست

۲.چگونه می توان بقاء ملاک حکمی را که به خاطر سبب معینی رفع شده، در صورت ترتب اثر بر بقاء ملاک آن، با همان دلیل وجوب حکم ثابت کرد؟

*بنابر قول به تبعیت دلالت التزامی از دلالت مطابقی در حجیّت .

بنابر قول به تبعیت دلالت التزامی از دلالت مطابقی در اصل وجود.

بنابر قول به عدم تبعیت دلالت التزامی از دلالت مطابقی در حجیّت.

بنابر قول به عدم تبعیت دلالت التزامی از دلالت مطابقی در اصل وجود.

۳.اگر دلیل حکمی بالالتزام دلالت بر حکمی دیگر کند، در صورت سقوط مدلول مطابقی، بنابر «تبعیت دلالات التزامی از دلالت مطابقی» و «عدم تبعیت دلالت التزامی از دلالت مطابقی» به ترتیب، امکان اثبات حکم دیگر وجود دارد یا نه؟

امکان دارد ـ امکان دارد

*امکان دارد ـ امکان ندارد

امکان ندارد ـ امکان دارد

امکان ندارد ـ امکان ندارد

۴.در مواردی مانند دلالت التزامی دلیل حکمی بر حکم دیگر ـ مانند دلالت دلیل وجوب شیء بر عدم حرمت آن ـ امکان اثبات حکم دیگر در فرض سقوط مدلول مطابقی، ارتباطی به مسأله تبعیت مدلول التزامی از مدلول مطابقی ندارد .

درست

*نادرست

۵.بنابر تبعیت دلالت التزامی از دلالت مطابقی، هنگام نسخ وجوب، نمی توان عدم حرمت فعل را به همان دلیل وجوب منسوخ ثابت نمود .

درست

*نادرست